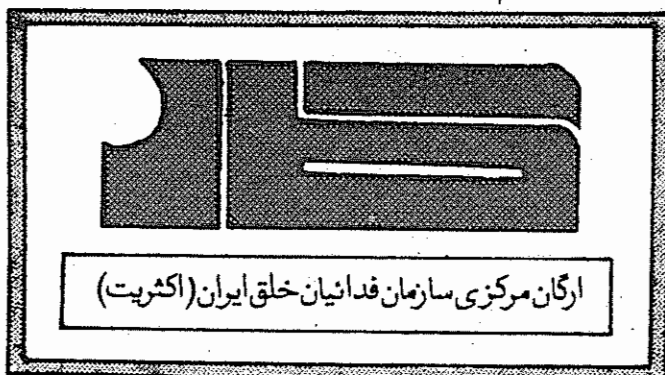


پایان دیدار رفسنجانی از سوریه و ترکیه

☆ سوریه حضور جمهوری اسلامی در پیمان منطقه‌ای را غیر عملی دانست

☆ جمهوری اسلامی و ترکیه با تشکیل دولت کردی در شمال عراق مخالفت کردند در صفحه ۳



چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۷۵
برابر ۸ ماه مه ۱۹۹۱ - دور سوم - شماره ۵

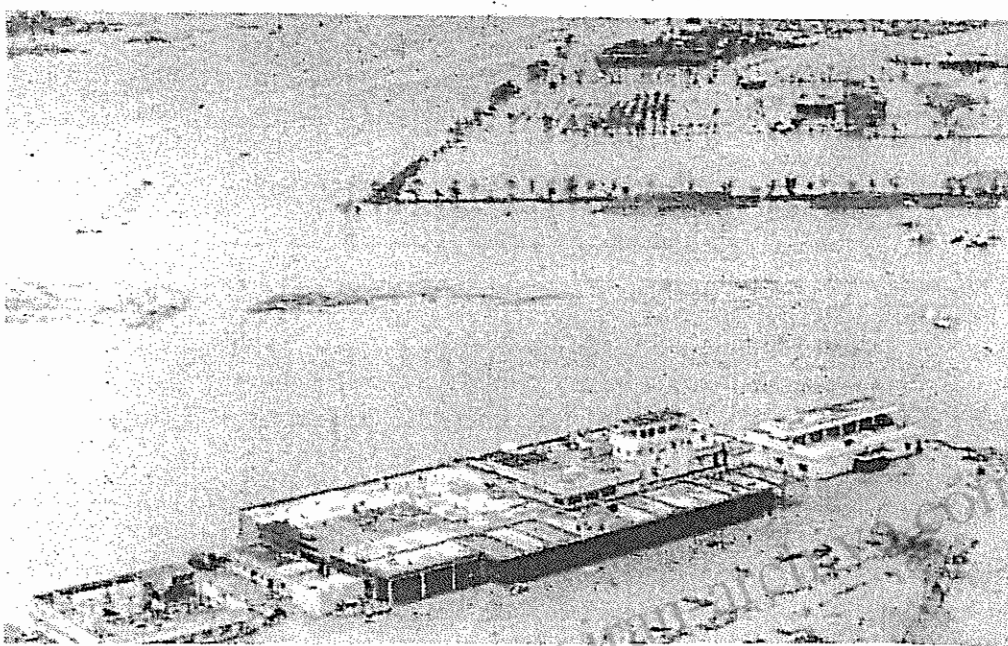
سفر وزرای خارجه فرانسه و آلمان به تهران

وزرای خارجه کشورهای فرانسه و آلمان، به فاصله کوتاهی از یکدیگر وارد تهران شدند و با مقامات جمهوری اسلامی به مذاکره نشستند. خبر مسافرت آنها را قبلاً هاشمی رفسنجانی در یک مصاحبه مطبوعاتی در ترکیه اعلام داشته بود. رونالد دو ما وزیر خارجه فرانسه روز

یکی از محبیبترین فاجعه های انسانی کشور فقر زده بنگلادش را در خود فرو برده است. بر اثر طوفان و سیل مهیب روز سه شنبه گذشته، هزاران هزار انسان جان خود را از دست داده اند. بر تعداد قربانیان این فاجعه عظیم لحظه به لحظه افزوده می شود. اکنون سخن از ۱۵۰ هزار قربانی می رود. یک صد و پنجاه هزار انسان! اما این هنوز بیانگر ابعاد فاجعه نیست. پیش بینی می شود تعداد قربانیان به صد ها هزار نفر بالغ شود.

امکانات دولت بنگلادش در برابر این فاجعه دردناک ناچیز و حقیر است. کمک های بین المللی نیز! جهان در برابر این فاجعه بزرگ انسانی نباید ساکت بنشیند. میلیون ها تن از مردان، زنان و کودکان رنج کشیده کشوری فقیر و محروم برای رهایی از سرنوشتی تلخ چشم به کمک جهانیان دوخته اند.

فاجعه ای عظیم در بنگلادش



کردها و وعده های صدام حسین

دولت بغداد پذیرفته است که بر مبنای قرارداد ۱۹۷۵ به کردها خودمختاری دهد، تا عمده دیگر در کشور انتخابات آزاد برپا کند و نهاد "شورای فرماندهی انقلاب" را برچیند. رژیم بغداد در مذاکرات خود با هیات نمایندگی کردها به سرپرستی جلال طالبانی در دو هفته پیش چنین وعده هایی داده و سازمان ملل متحد را نیز در جریان نیت خود گذاشته است. این وعده ها هنوز در قالب یک سند، صورت مکتوب و رسمی نیافته اند.

در این زمینه که رژیم صدام حسین از ترس فروپاشی و به خاطر هراس از تداوم حضور نیروهای خارجی در عراق به دادن این گونه وعده ها رو آورده است، شکی نیست. و نیز در این شکی نیست که ساختار قدرت در بغداد با صدام حسین و یابدون وی، با حضور مطلق حزب بعث و یادر قالب شکل تعدیل شده تری از دیکتاتوری این حزب - به گونه ایست که اصلاحات وعده داده شده یا به اجرا در نخواهند آمد و یا آنگونه پیاده خواهند شد که در عمل فقط آویزه هایی باشند بر پیکر کره دیکتاتوری. این که این دیکتاتوری تا چه حد جان سختی نشان خواهد داد و تا چه حد از طریق توسل به تاکتیک های تازه شانس بقا خواهد یافت، مساله ایست که از هم اکنون نمیتوان برای آن پاسخ یافت. یک موضوع روشن است: رژیم بعثیه در صفحه ۲

جنگال بر سر کمک های آمریکا

وزارت کشور اعلام کرد که اقلام کهنه کمکها را به آمریکا پس خواهد فرستاد

جغانی کارگر مجدداً به آمریکا حمله کرد و گفت اسلام با سلطه آمریکا در ستیز است. او ضمن تاکید بر خصومت آمریکا با نظام جمهوری اسلامی افزود: آمریکا بارها از امام و "ملت شریف" توهین می کرده اما هنوز در صدد آن است که شاید این ملت ایمان خود را از دست بدهد. خامنه ای نزدیک شدن دولت ایران به قرب را تبلیغات قرب خواند!

زیر فشار جریانات تندرو دولت رفسنجانی به عقب نشینی تن داد. احمد حسینی مدیر کل ستاد بحران مستقر در وزارت کشور طی مصاحبه ای با خبرنگاری جمهوری اسلامی اعلام کرد: فقط اقلام نو و دست اول کمکها تحویل گرفته شده و اقلام دست دوم پس داده خواهد شد. وی گفت: پس از تخلیه کمکها مشخص شد اقلام نو و دست دوم یک جا بسته بندی شده، لذا ما محموله را تحویل نگرفتیم و رسیدیم نادیم و اعلام کردیم که این محموله نباید تحویل شوند و آنها که دست اول اند تحویل گرفته خواهند شد و اقلام دست دوم پس فرستاده خواهد شد. مدیر کل ستاد بحران مجموعه کمکهای خارجی را ۳۲۵ هواپیما حدود ۱۰ هزار تن اعلام کرد.

علیرغم انتقادات شدید جناح تندرو حکومت، نمایندگان دولت رفسنجانی همچنان به مذاکره برای ادامه کمکهای آمریکا به پناهندگان کرد ادامه میدهند. اواسط هفته گذشته وزارت دفاع در سخنانی خود به مناسبت روز

بدنبال فرود نخستین هواپیمای نظامی آمریکایی در فرودگاه مهرآباد تهران، تنشهای تازه ای حکومت اسلامی را در بر گرفته است. ارسال پتو و لباسهای کهنه و دست دوم برای کمک به آوارگان کرد از سوی دولت آمریکا این تنشها را تشدید کرده است. مجلس شورای اسلامی کانون اصلی ابراز مخالفت و جنگال علیه ورود هواپیمای آمریکایی به تهران و کمک های "دست دوم" است و

مطبوعات وابسته به جناح تندرو بر آتش این مخالفتها می دمند. نمایندگان مجلس ارسال پتو و لباسهای کهنه را "توهین به جمهوری اسلامی" تلقی کرده اند و کمک های آمریکا را تنها یک حرکت نمایشی تبلیغی می خوانند. آنها می گویند در حالیکه آمریکا تنها ۱۷/۵ تن وسایل کمکی ارسال کرده، در تبلیغات خود مدعی ارسال ۶۵ تن کمک به ایران شده است. روزنامه جمهوری اسلامی روز سه شنبه هفته گذشته مدعی شد پتوها و لباسهای کهنه به ویروس ایدز و دیگر بیماریهای مهلک آلوده است و دولت باید آنها را پس بدهد. نمایندگان تندرو مجلس هم چنین ورود سربازان بلژیکی و آلمانی به غرب کشور را مورد انتقاد شدید قرار داده اند و گفته اند سربازان ناتو نباید قدم به ایران بگذارند. گروهی از نمایندگان تندرو از دولت رفسنجانی خواسته اند که سربازان اروپایی کشورهایشان باز گردانند. سید احمد خمینی که اخیراً با جناح تندرو همراهی بیشتری نشان میدهد و دو هفته پیش برقراری ارتباط با آمریکا را مخالف آرمانهای خمینی نامیده بود، این بار نیز فرود هواپیمای آمریکایی در خاک ایران را اقدامی شایسته سرزنش توصیف کرد و نسبت به تکرار اینگونه اقدامات هشدار داد. سیدعلی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در سخنانی خود به مناسبت روز

طرح نیروی مشترک ترکیه، ایران و سوریه برای "حل مساله کرد"

☆ امریکادر حال برپایی دومین اردوگاه در شمال عراق است

پیشنهاد کرده اند که اردوگاههای برپاشده برای آوارگان تحت کنترل این سازمان قرار گیرد. دبیر کل سازمان ملل خاور میانه و کوئینا این پیشنهاد را نپذیرفته است. سازمان ملل استدلال می کند که این کار باید با موافقت عراق باشد و علاوه بر این نظارت سازمان ملل بر اردوگاههایی که تحت محافظت سربازان آمریکایی است، فاقد مبنای حقوقی و مجوز شورای امنیت است.

یک مساله مهم در سفر اخیر هاشمی رفسنجانی به سوریه و ترکیه تبادل نظر با رهبران این دو کشور حول موضوع کردها بوده است.

یک مشاور سیاسی اوزال رئیس جمهور ترکیه فاش ساخته است که در گفتگویی بین اوزال و رفسنجانی طرح تشکیل نیروی مشترکی از سوریه، ترکیه و ایران، ترکیه و سوریه برای "حل مساله کرد" مورد بحث قرار گرفته است. به زعم اوزال و رفسنجانی، چنین نیروی مشترکی می تواند جایگزین نیروهای آمریکایی و اروپایی در شمال عراق شود. جزئیات بیشتری در زمینه این طرح و این که بر سر اجرای آن تا چه حد توافق شده، انتشار نیافته است.

وضعیت آوارگان کرد همچنان وخامتبار است. ترکیه مدام موانع بیشتری بر سر راه کمک رسانی به آوارگان قرار می دهد و آوارگان کرد در

در این شماره

☆ گفتگویی میان گریگور گیزی و ار نست مندل

☆ حمله شدید سخنگوی جبهه نجات اسلامی الجزایر به رژیم جمهوری اسلامی

☆ جمهوری های شوروی اختیارات بیشتری می خواهند

حمله شدید سخنگوی جبهه نجات اسلامی الجزایر به رژیم جمهوری اسلامی

به نوشته نشریه کیهان عربی، هلی بلحاج سخنگوی جبهه نجات اسلامی الجزایر طی مقاله‌ای به شدت به رژیم جمهوری اسلامی حمله کرد. بلحاج که دومین شخصیت جبهه نجات است، این مقاله را در ۱۱ آوریل در روزنامه الجزایری المنقذ بچاپ رسانده است. وی علاوه بر رنسنجانی و دیگر دولتمردان کنونی رژیم، به روح الله خمینی نیز به شدت تاخت. به نوشته کیهان عربی، بلحاج در این مقاله به اساس شیعه‌گری نیز حمله کرده است. مقاله بلحاج فرازی از جنگ قلمی دوامجاهی است که میان مطبوعات دولتی تهران و

دست‌های از مطبوعات الجزایری در گرفته است. در آستانه انتخابات پارلمان الجزایر که رویدادی مهم و حساس در صحنه سیاسی این کشور و کل مغرب عربی است، این تنش باید معنی ویژه‌ای داشته باشد. دستجات مذهبی این کشور و از جمله جبهه نیرومند نجات اسلامی که با سوار شدن بر موج احساسات و هوادان مذهبی و پان‌هریستی توده الجزایری قصد قبضه قدرت سیاسی در این کشور دارند، رفتار جمهوری اسلامی را در جریان جنگ آمریکا با عراق و پس از آن فیر اسلامی و ناخواندانه می‌خوانند. آنها با حمایت از عدم

حسین شورش‌های داخلی اخیر در عراق را نتیجه تحریکات و مداخلات رژیم اسلامی می‌دانند. جبهه نجات با حمله به جمهوری اسلامی و فاصله گرفتن عمده از آن می‌کوشد بدنامی رژیم تهران، در انتخابات دامن او را نگیرد و از آرایش نکاهد. پیش از این نیز عباس مدنی شخص اول جبهه کوشید به مردم اطمینان دهد که آنها قصد استقرار رژیمی اسلامی مثل رژیم خمینی را ندارند. از سوی دیگر برخی از احزاب ملی نیز با تشدید حمله به جمهوری اسلامی کوشش می‌کنند موقعیت دستجات مذهبی را در انتخابات

تضعیف کنند. انشای جمهوری اسلامی نزد رای دهندگان الجزایری بی‌گمان از اعتبار سازمان‌های مذهبی خواهد کاست. با بروز این تنش، جمهوری اسلامی دچار مضمضه سختی شده است. رژیم اسلامی تهران برای تحکیم موقعیت خود در داخل و در راستای سودهای پان‌اسلامیستی، آرزو مند الجزایری بود. این رژیم حتی به قیمت بروز کدورت در رابطه با بلا تعصیب ماند و بافته‌هایش تانته شد.

دکتر صدیقی، عضو کابینه دکتر مصدق، درگذشت

رسیده بود، دربار در تماس با فلامحسین صدیقی پست نخست‌وزیری را به وی پیشنهاد کرد. وقتی که دکتر صدیقی بالاخره این پیشنهاد را رد کرد، دکتر شاپور بختیار مورد نظر قرار گرفت و دولت را تشکیل داد. دکتر فلامحسین صدیقی متولد سال ۱۲۸۴ هجری شمسی است. او همراه با دومین گروه دانشجویان اعزامی از سوی دولت رضا شاه به فرانسه اعزام شد و در سال ۱۳۱۶ با درجه دکتری به ایران بازگشت و با سمت استادی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. دکتر صدیقی به مثابه یک محقق صاحب تالیفات چندی است. با گرامیداشت یاد دکتر صدیقی، یادمارزات وی در راه استیغای حقوق ملی و استقرار دیکراسی، و خاطره همه آنانی را که در راه آرمانهای رزمیدانند گرامی می‌داریم.

هفته گذشته دکتر فلامحسین صدیقی عضو رهبری جبهه ملی اول و دوم و از همرازان نزدیک دکتر محمد مصدق درگذشت. وی از شخصیت‌های فعال در نهضت ملی کردن نفت بود. با تصدی پست نخست‌وزیری از سوی دکتر مصدق در سال ۱۳۳۰، فلامحسین صدیقی با عنوان وزیر پست و تلگراف عضو هیات وزیران شد. وی سپس سمت حساس وزارت کشور را برعهده گرفت. در پی کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد، دکتر صدیقی دستگیر و در زندان لشکر ۲ زرهی زندانی شد. او پس از ۱۵ ماه از زندان رهایی یافت. در پایان دهه ۳۰ که جبهه ملی دوم سازماندهی شد فعالیت دوباره آغاز کرد دکتر صدیقی از گردانندگان اصلی آن بشمار می‌آید. در رویدادهای سال ۵۷ که دیکتاتوری شاه به بن بست



سرنوشت پناهندگان کرد چه خواهد شد؟

گردها و وعده‌های صدام حسین

بقیه از صفحه اول

بعث دیگر قادر نخواهد شد سلطه بی‌منازع خود را بر عراق حفظ کند و ناچار است راه‌های تازه‌ای را به آزمایش درآورد. ظرفیت جنبش دموکراتیک در کل عراق و نحوه برخورد اپوزیسیون و حد پختگی و فراست و یکدلی آن تعیین خواهند کرد که آیا کانون تعلق قدرت در این کشور می‌تواند نتیجه این آزمایش‌ها را زیر کنترل خود داشته باشد یا نه. برای اپوزیسیون عراق و به ویژه احزاب کردی در این کشور در شرایطی که آشکارا هویداست که مردم عراق هنوز توانایی سرنوشتی رژیم بعث را ندارند و این رژیم هنوز قادر است امرهای قدرت را در اختیار داشته باشد. چاره‌ای جز تاکتیک استفاده از اصلاحات و وعده داده شده از سوی رژیم و وجود ندارد. اپوزیسیون تا این حد قدرت داشت که به رژیم ثابت کند که دیگر نمیتواند به شکل سابق حکومت نماید. قلوهایی که رسانه‌های گروهی جهانی حول قدرت کردها و شیعیان صورت دادند، این توهم را به وجود آورده بود که هم‌اکنون رژیم بغداد سرتگون خواهد شد. این توهم، که تا حدودی هم‌اکنون سوی آمریکا و متحدینش دامن زده شد، در درون صف اپوزیسیون عراق نیز بازتاب یافت و آنان را بیشتر به درگیر شدن در جنگی نابرابر شایق کرد. سرانجام دردناک این جنگ اما آن دستمایه‌ای نیست که رژیم عراق بر آن نام پیروزی نهد. بغداد مجبور است به مصالحه با اپوزیسیون رو آورد و در این میان اپوزیسیون کردی که دریافته است اگر اکنون امتیازی نگیرد فردا ممکن است چیز کمتری نصیبش شود، به سوی این مصالحه روی آورد.

قدرتمندترین نیروی اپوزیسیون عراق جریان‌های کردی جبهه میهنی به رهبری طالبانی و حزب دمکرات به رهبری بارزانی است. این دو نیرو اکنون در حال مذاکره با رژیم بغداد اند. طالبانی در مذاکره مصمم‌تر است و گمان می‌کنند که اگر آمریکا از رژیم عراق برای انجام وعده‌هایش ضمانت بخواهد، خودمختاری و دموکراسی در عراق دست یابنتی شده است. بارزانی با تردید بیشتری به اوضاع می‌نگرد و ظاهراً اگر چه در مذاکره با رژیم بغداد شرکت می‌جوید و هدایت دور دوم مذاکره را خود برعهده خواهد داشت، نسبت به وعده‌های بعثی‌ها چندان خوشبین نیست و آمریکا را متحد کردها نمی‌داند. رهبران کرد زیر فشار زمان قرار دارند: آنها تلاش می‌ورزند تا زمانی که مساله کرد در انکار بین‌المللی داغ‌ترین مساله است، از دولت بغداد امتیازهایی بگیرند و به آنچنان تضمین‌های بین‌المللی دست یابند که رژیم بعث به سادگی نتواند زیر وعده‌های خود بزند. مساله آوارگان نیز آنچنان مبرم است که هر چه

سرریز باید برای رفع آن چاره اندیشید. آوارگان هنوز به شکل توده‌ای مصمم به بازگشت نشده‌اند و ظاهراً در حال حاضر به نتایج مذاکرات رهبران کرد با دولت بغداد با تردید می‌نگرند. این مذاکرات مورد انتقاد احزاب شیعه که دومین نیروی اپوزیسیون اند، قرار گرفته است، اتحاد آنها با کردها سست تر از آن بود که احزاب کردها طرح‌های سیاسی خود را تابع همراهی آنان سازند، اما اگر در این طرح‌ها سرنوشت شیعیان جدی گرفته نشود، صدام حسین از نو حیل‌های قدیمی خود را به کار خواهد بست: آشتی بایک گروه و سرکوب گروه دیگر. رهبران کرد بویژه جلال طالبانی بارها طعم تلخ این حیل‌ها را چشیده‌اند. این بار اگر شیعیان قربانی شوند، این حادثه چنان تأثیر ناگواری روی روابط کردها و شیعیان به جا خواهد گذاشت که سال‌های سال هواتب آن پابر جا خواهد ماند. دیگر نیروهای اپوزیسیون هنوز تأثیر چندان ندارند. سرنوشت همه آنها تابع نتایج مذاکرات کردها با دولت بغداد از یکسو و سرنوشت شیعیان و آینده رابطه آنان با کردهاست.

برای واشنگتن اکنون مساله عمده آن است که قدرت مرکزی در عراق پابر جا بماند و با فروپاشی آن یک خلا قدرت ایجاد نشود. کاخ سفید که برای اعمال نفوذ در میان کردها می‌کوشد، اکنون ظاهراً نسبت به آنان همدلی نشان می‌دهد، اما مایل به قدرت‌گیری آنان نیست. تا زمانی که یک دولت مطلوب واشنگتن در بغداد بر سر کار نیامده، آمریکا با مساله کرد بازی خواهد کرد. هنوز مشخص نیست که رهبران کرد تا چه حد به این اهداف آمریکا و متحدین آن واقفند. سرنوشت عراق و آینده کردها در این کشور، برای مردم ایران، کردهای ایران، رژیم جمهوری اسلامی و اپوزیسیون رژیم اهمیت فراوانی دارد. برای اپوزیسیون ترقی‌خواه ایران مطلوب‌ترین چشم‌انداز ممکن، خودمختاری کردهای عراق و برقراری دموکراسی در این کشور است که تا آن حدی است که دولت بغداد مناسبات صلح‌آمیزی با ایران داشته باشد و با قطع سرکوب و پیگرد شیعیان جلوی نفوذ جمهوری اسلامی در جنوب عراق گرفته شود. سیاست کردهای عراق در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کند. اگر رهبران کرد در مقام دفاع از حقوق شیعیان عراق بر نیایند و دولت بغداد ضمن آشتی موقت با کردها سرکوب شیعیان را ادامه دهد، سیاست جمهوری اسلامی مبنی بر اعمال نفوذ در میان شیعیان عراق زمینه‌ساز تشنج‌های جدی تری بین ایران و عراق خواهد شد.

بقیه اخبار خارجی

پیروزی نظامی ارتش اتیوپی

کرد که بموجب آن قدرت رژیم ارتش افزایش خواهد یافت. در این فرمان، نظامیان از اختیارات ویژه برخوردار خواهند شد و محدودیت‌هایی علیه حقوق مدنی وضع می‌گردد.

نیروهای دولتی اتیوپی روز هشتم اردیبهشت شهر آمو را از تصرف شورشیان خارج کردند. این شهر در صدکیلومتری آدیس‌آبابا پایتخت اتیوپی قرار دارد و دارای اهمیت استراتژیک است. خبرگزاری اتیوپی گزارش داد در حمله نیروهای دولتی به آمو بسیاری از افراد شورشیان اریتره و تیگره کشته شدند. در مقابل، شورشیان اعلام کردند به دلایل استراتژیک، آمو را تخلیه کرده‌اند زیرا موقعیت این شهر برای وارد آوردن ضربت به ارتش مناسب نیست. شورشیان افزودند که به زودی دست به حمله جدیدی خواهند زد. دولت اتیوپی پس از آغاز تهاجم شورشیان فرمانی صادر

ادامه جنگ داخلی در شرایطی که مرگ بر اثر گرسنگی در ابعادی میلیونی مردم این منطقه را تهدید می‌کند، بی‌معنایی بیشتری یافته است. دولت اتیوپی شایسته است بر مبنای پذیرش حقوق دموکراتیک مردم اریتره و تیگره جهت پایان دادن به جنگ اقدامات قاطعی انجام دهد، متأسفانه جامعه ملل نیز با بی‌تفاوتی ناظر وضعیت استیبار اتیوپی است.

محافظه‌کاران، برنده انتخابات ایسلند

حزب از مجموع ۶۳ کرسی پارلمان ایسلند، ۳۶ کرسی را در اختیار دارند و توافق کرده‌اند که یک "ائتلاف بزرگ" تشکیل دهند. یون بالدوین هاینبالسون رهبر حزب سوسیال دمکرات، کماکان وزیر خارجه ایسلند خواهد بود. نخست‌وزیر ایسلند تاکنون گریمور هرمانسون از حزب لیبرال بوده است.

بدنبال انتخابات اخیر ایسلند که به پیروزی محافظه‌کاران انجامید، داوید اودسون رهبر حزب استقلال ایسلند که حزب محافظه‌کاران است، نخست‌وزیری این کشور را برعهده خواهد گرفت. گزینش اودسون به نخست‌وزیری طبق توافق محافظه‌کاران و سوسیال دمکرات‌ها انجام خواهد شد. این



با کمک مالی به ما یاری رسانید!

بقیه از صفحه اول

پایان دیدار رفسنجانی از سوریه و ترکیه

بقیه از صفحه اول

سفر وزرای خارجه فرانسه و آلمان به تهران

وجود ندارد و افزایش نفوذ اروپای غربی در منطقه می تواند جانشین نفوذ آمریکا گردد. در همین حال خیرگزاری آسوشیئدپرس از قول یکی از مقامات وزارت خارجه حکومت اسلامی که نخواست نامش فاش شود، گزارش کرد حکومت اسلامی درصد است در مرحله اول روابط خود را با اروپای غربی تقویت کند و پس از آن نوبت آمریکا خواهد رسید. رهبران اقتصادی و تکنوکرات ها مشوقین و نیروی عمده افزایش رابطه با غرب هستند.

اصرار رفسنجانی برای نشان دادن چهره ای معقول و غرب پسند و شتاب او برای بهبود سریع رابطه با کشورهای غربی، بگونه ای است که نیروهای دموکرات ایران را نسبت به حمایت این مناسبات نگران کرده است. پنهانی بودن اکثر مذاکرات و توافق ها برای نگرانی های افزایشی اصولیت برقراری رابطه دولتی و پرهیز از هم زبان شدن باتندروهای ضد غربی نباید از حساسیت نیروهای ترقی خواه نسبت به بند و بست های پنهانی رفسنجانی با غرب، به منظور تقویت موقعیت خود و به خرج منافع مردم بگاهد، زیرا رفسنجانی در شرایطی است که برای جلب رضایت غرب و تحکیم موقعیت جناح خود از دادن امتیازهای بزرگ نیز روی گردان نخواهد بود.

ایتالیا اختصاص می یابد. چند ماه پیش نیز یک گروه ۰ از بانکهای فرانسوی اعتباری به مبلغ دو میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار جهت اجرای طرح های پتروشیمی در اختیار ایران گذاشتند.

گنسر وزیر خارجه آلمان رانیز اهداف مشابهی به تهران کشاند. آلمان که در میان کشورهای اروپایی از روابط صمیمانه ای با جمهوری اسلامی برخوردار است و اکنون نیز سربازان آن کشور در غرب ایران مشغول احداث اردوگاه کمک به پناهندگان گرد هستند، برای شرکت در برنامه های بازسازی دولت رفسنجانی و سرمایه گذاری در ایران هلاقه نشان میدهد.

مسافرت وزرای خارجه دو کشور عمده اروپایی به تهران، ظاهرا در پی اهداف اعلام شده جمهوری اسلامی مبنی بر تقویت نقش اروپا در خاورمیانه برای مقابله با نفوذ روزافزون آمریکا صورت می پذیرد. روزنامه تهران تایمز، که بازتاب دهنده نظرات وزارت خارجه به شمار می آید، در آستانه مسافرت رونالد دومایه تهران نوشت: «بی تردید ایران می تواند بهترین دوست کشورهای غربی در خاورمیانه باشد.» این روزنامه افزود: «هیچ مانعی در راه بهبود روابط ایران با کشورهای اروپای غربی

کرد. رونالد دوما در تهران با هاشمی رفسنجانی، علی اکبر ولایتی و گروه دیگری از مقامات سیاسی دولت دیدار کرد. در این دیدارها در مورد تدابیر امنیتی برای منطقه وضعیت آوارگان کرد و سایر دو جانبه از جمله اختلافات مالی دو کشور، گفتگو شد. تا زمان تنظیم این گزارش هنوز از نتایج مذاکرات دوما در تهران اطلاعی به دست ما نرسیده بود. رونالد دوما در جریان سفر خود به تهران ابراز امیدواری کرد که فرانسه بتواند در ترمیم خرابیهای جنگ و بازسازی ایران مشارکت فعال کند. در آستانه سفر دومایه تهران مدیر کل ستاد بحران وزارت کشور فاش ساخت که علاوه بر سربازان آلمانی و بلژیکی، سربازان فرانسوی نیز همراه با کمکهای ارسالی به ایران آمده اند و اظهار تمایل کرده اند که برای برپایی اردوگاه برای پناهندگان کرد در غرب کشور مشارکت کنند. کمی پیش از سفر دوما، روزنامه های تهران خبر دادند که بانک ملی پاریس اعتباری به مبلغ دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار در اختیار بانک مرکزی ایران قرار می دهد. بهره این وام ۵ درصد و مدت بازپرداخت ۵ سال است. دو میلیارد دلار از این اعتبار باید صرف خرید تجهیزات فرانسوی شود و بقیه آن به خرید از کشور

با خودمختاری کردهای عراق تحت عنوان تجزیه طلبی تاکید کرد و افزود: ما با تشکیل یک دولت کرد در شمال عراق و تجزیه خاک عراق موافق نیستیم و آنرا بنفع کردهای عراق نمی دانیم. دولت های جمهوری اسلامی و ترکیه که از گسترش مبارزات کردهای عراق به کردستان ایران و ترکیه هستند، نسبت به خودمختاری مخالف اتخاذ کرده اند و در این زمینه بین آنان تفاهم وجود دارد.

رفسنجانی و هیئت همراه او در ترکیه به توافقی اقتصادی مهمی نیز دست یافتند. دو کشور برای احداث یک شاه لوله انتقال گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه توافق کردند. این طرح در زمان جنگ ایران و عراق متوقف شده بود و در آن زمان پیش بینی می شد میلیاردی دلار هزینه داشته باشد. قرار است ترکیه سالانه ۲۴ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی که از این لوله به اروپای شرقی منتقل می شود، دریافت کند. به گفته سخنگوی وزارت خارجه ترکیه طرفین هم چنین توافق کردند تا پیش از پایان سال جاری جمهوری اسلامی ۳ میلیون تن نفت به ترکیه صادر کند و ترکیه نیز تقبل کرده است در تامین بخشی از انرژی برق شهرهای مرزی ایران از جمله ماکو مشارکت نماید.

این زمینه نیز اطلاعات دقیقی منتشر نشده، اما گفته می شود که رفسنجانی طرح طرف سوری در مورد لبنان را پذیرفته و از آن پشتیبانی کرده است. طرح سوریه مبتنی بر تقویت دولت کنونی لبنان است که با حمایت سوریه به قدرت رسیده است. و لازمه اجرای آن خلع سلاح تمامی گروه های مسلح در لبنان است. حزب الله با این طرح مخالفت دارد و حاضر به تسلیم سلاح های خود نشده است. رفسنجانی در دمشق با بسیاری از رهبران سازمانهای لبنانی دیدار کرد و حمایت خویش از تحولات لبنان را اعلام نمود. گزارشات تأیید نشده دیگر حاکی از آن است که طبق توافق اسدو رفسنجانی، حزب الله اجازه خواهد یافت بنحوی کنترل شده نفوذ محدود خود را در جنوب لبنان حفظ کند.

موضوع اصلی مذاکرات رفسنجانی با اوزال را مسئله آوارگان کرد و خودمختاری کردهای عراق در شمال این کشور تشکیل می داد. هاشمی رفسنجانی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در ترکیه در این زمینه گفت: ایران و ترکیه بر حفظ تمامیت ارضی عراق تاکید دارند و برای بازگشت آوارگان عراقی به کشورشان از طریق سیاسی تلاش می کنند. وی بر مخالفت جمهوری اسلامی و ترکیه

با پایان یافتن سفر رفسنجانی به دو کشور ترکیه و سوریه، وی پنجشنبه گذشته به تهران بازگشت. در روز پایانی سفر رفسنجانی به سوریه، روسای جمهور دو کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کردند. با توجه به سخنان این دو در مصاحبه مزبور و هم چنین مواضع روزنامه های سوریه در جریان سفر رفسنجانی می توان نتیجه گرفت که رفسنجانی در دستیابی به اهداف خود در این سفر تقریباً ناکام مانده است. حافظ اسد همت عدم دسترسی به توافق پیرامون همه مواد در دستور ربه کوتاهی مدت سفر رفسنجانی منتسب کرد و افزود: البته مباحثات ادامه پیدا خواهد کرد. وی گزارش مطبوعات در مورد اختلاف میان ایران و سوریه را تکذیب کرد، اما در همین حال افزود حضور ایران در پیمان منطقه ای در حال حاضر عملی نیست. دستیابی به توافقی در این زمینه، مهمترین هدف رفسنجانی در سفر به سوریه را تشکیل می داد. رئیس جمهور سوریه مدعی شده که در این مورد میان طرفین اختلاف نظر سیاسی وجود ندارد ولی برخی موانع «فنی و تاکتیکی» وجود دارد که رفع آن محتاج زمان است.

مسئله لبنان و گروگان های غربی یکی دیگر از مسایل اصلی مورد گفتگو بوده است. هر چند در

حجالت بر سر کمک های آمریکا

بقیه از صفحه اول

امریکایی در تهران، هاشمی رفسنجانی مجری اصلی سیاست نزدیکی به آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی در ترکیه پیرامون روابط جمهوری اسلامی و آمریکا گفت:

امریکایی ها تا بحال با ما با خصومت برخورد کرده اند. مسدود کردن دارایی های ایران در آمریکا از جمله اقدامات خصمانه آنهاست و تا وقتی این خصومت ادامه داشته باشد، روابط ما با آمریکا بهبود نخواهد یافت.

مقایسه سمبلیک شاید بتوان نقش «دیپلماسی پتو» در بهبود مناسبات جمهوری اسلامی و آمریکا را با نقش «دیپلماسی پینگ پنگ» در نزدیکی چین و آمریکا مشابه دانست.

امریکا اعلام کرد دو مین محموله کمک های پنتاگون در روزهای آینده به ایران ارسال می شود. بیت ویلیامز سخنگوی پنتاگون تاریخ دقیق ارسال دو مین محموله کمک ها را اعلام نکرد.

همزمان با تشدید حملات ضد

با این حال رفسنجانی در این مصاحبه تصریح کرد: بنظر میرسد خود امریکاییها فهمیده اند که دیگر نمی توانند به ایران صدمه بزنند و دوره سمپاشی آنها تمام شده است. رفسنجانی هلیرفرم مخالفت های شدید جناح افراطی رژیم مصمم به بهبود رابطه با امریکاست و در موضع گیری اخیر خود نیز این امر را نفی نکرده است.

ورود هواپیماهای امریکایی هر چند بنام کمک به آوارگان کرد صورت می گیرد، اما اساسا در خدمت این هدف است. در یک

سرکوب شیعیان در عراق ادامه دارد

بی فزایی بیدامی کند. شهرهای کربلا و نجف نیمه ویران شده اند. در این شهرها هیچ جوانی یافت نمی شود. جوانان اگر دستگیر و یا کشته نشده باشند گریخته اند.

مقاومت های پراکنده در اطراف بصره کاملاً در هم شکسته شده. صدام حسین نیروی وسیعی را در بصره متمرکز کرده است.

احمال می شود، بندرت اخباری در زمینه وضعیت وخامت بار شیعیان عراق انتشار می دهند. این امر دست صدام حسین را برای اعمال هر جنایتی در جنوب عراق باز گذاشته است. بنا بر خبرهای محدودی که در مورد این منطقه انتشار یافته، در همه شهرهای شیعه نشین گرسنگی و بیماری های ناشی از آلودگی و

نظامیان صدام حسین در هفته گذشته ۹۰ تن از شیعیان عراقی را در شهر هماره به شکل فجیعی به قتل رسانده اند. اینان عده ای از آوارگان شیعه بوده اند، که به زاد و بوم خویش بازگشته بودند.

در شهرهای شیعه نشین مدام از این جنایتخار می دهد. رسانه های گروهی بین المللی، بنا بر سیاستی که از جانب آمریکا



کنگره بزرگداشت حکیم نظامی گنجوی

گنجوی در تبریز و به مناسبت ۹۰۰مین سالگرد تولد این شاعر بزرگ برگزار خواهد شد. تقابلاً اعلام شده بود که برای شرکت در این کنگره از محققان خارجی و روسای مراکز ایران شناسی، محققان مراکز

دانشگاهی و تحقیقاتی ۲۳ کشور جهان دعوت شده است. قرار است ۱۶ نشریه فرهنگی کشورشان نیز در تدارک کنگره فوق شرکت داشته باشند.

ستاد اجرایی کنگره بین المللی بزرگداشت حکیم نظامی گنجوی تاریخ برگزاری این کنگره را از ۲۸ تا ۳۱ خرداد به اول تا پنجم تیر ماه تعیین داد. دبیر این ستاد ضمن اعلام خبر فوق در تشریح اقدامات انجام شده اعلام کرد، کار خوش نویسی کتاب مخزن الاسرار به پایان رسیده است و تاکنون ۱۱۲ مقاله برای کنگره ارائه شده که ۲۰ فقره آن متعلق به محققین خارجی است. کنگره بزرگداشت نظامی

گزارش یک نشریه عربی در مورد خرید سلاح توسط جمهوری اسلامی

آن کارشناسان شوروی یک کارخانه تولید موشک در ایران احداث خواهند کرد. این نشریه، خبر داده است که در شهر اصفهان کارخانه هایی که گازهای شیمیایی نظیر گازهای خردل و تابن تولید می کنند، وجود دارد که می تواند در خدمت تولید سلاح های شیمیایی قرار گیرد.

به نوشته یک روزنامه عربی که در بیروت منتشر میشود. جمهوری اسلامی اقداماتی برای خرید سلاح های مدرن آغاز کرده است. نشریه مذکور می نویسد: حکومت اسلامی می کوشد موافقت کره شمالی را برای فروش ۲۰۰ موشک اسکار به ایران جلب کند. بر پایه این گزارش، قراردادی بین حکومت فوجا با شوروی نیز به امضا رسیده که مطابق

اهدای ۵۴ نفر بجرم شرکت در خرید و فروش مواد مخدر

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در روز ۱۹ اردیبهشت ۲۴ نفر به جرم شرکت در فعالیتهای مربوط به قاچاق مواد مخدر در مشهد اعدام شدند. همین خبرگزاری در گزارشی دیگری اعلام کرد روز ۱۰ اردیبهشت نیز ۳۰ نفر به جرم شرکت در خرید و فروش مواد مخدر در تهران به دار آویخته شدند. در میان اعدام شدگان نام چند زن به چشم می خورد. گروهی از اعدام شدگان تهران انسانی بودند. گفته می شود از ژانویه ۱۹۸۹ که حکومت اسلامی قانون اخیر مبارزه با مواد مخدر را به اجرا گذاشت، ۱۷۲۵ تن اعدام شده اند.

سر مایه گذاری بخش خصوصی در صنایع پتروشیمی

پتروشیمی کشور سرمایه گذاری صورت بگیرد که سه میلیارد دلار آن از محل وام و اعتبار خارجی تامین خواهد شد. منابع دولتی متعهد به تامین دو میلیارد دلار بوده اند که چون از تامین آن باز مانده اند، این سرمایه از طریق پیش فروش محصولات آتی صنایع پتروشیمی فراهم شده است. وی از خریداران این محصولات و ملیت آنها نامی نبرد. به ادعای مدیر عامل صنایع پتروشیمی ۲/۵ میلیارد دلار دیگری که می بایست در طول برنامه پنج ساله سرمایه گذاری می شد، همان تاسیسات و وسایل موجود در واحدهای مختلف صنایع پتروشیمی کشور است.

به گفته آتازاده وزیر نفت، دولت تصمیم گرفته است اجرای ۹ طرح عظیم پتروشیمی را به بخش خصوصی واگذار کند. آتازاده سرمایه لازم برای اجرای این طرحها را قریب ۷۸۵ میلیون دلار برآورد کرده است.

در پی مصاحبه آتازاده، هفته گذشته مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی خبر داده است که در این راستا سرمایه گذاری از خارج کشور اعلام آمادگی کرده اند. وی همچنین افزود که مطابق پیش بینی باید در طی مدت اجرای برنامه پنج ساله دولت رفسنجانی، ۷/۵ میلیارد دلار در صنایع

کاهش تولید نفت اوپک

در بروکسل اعلام شد که تولید نفت اوپک روزانه ۶۰۰ هزار بشکه کاهش یافته و به میزان ۲۲ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه رسیده است. این کاهش بدنبال توافق اخیر اوپک صورت گرفته است. اما هنوز میزان تولید نفت روزانه حدود ۳۰۰ هزار بشکه بیش از تعداد تعیین شده است. علیرغم کاهش فوق العاده نفت هنوز به میزان زیادی پائین تر از ۲۱ دلار برای هر بشکه - که در اجلاس اسفندماه اوپک مورد توافق قرار گرفت - می باشد.

موج جدید گرانی

پس از سپری شدن تعطیلات عید، بازار مایحتاج عمومی مردم شاهد موج جدید گرانی شده است. گرانی "سیاه بجار" امسال، شدیدتر از سالهای گذشته است. نرخ برخی اقلام نسبت به پیش از عید تا ۱/۵ برابر شده است. این در حالی است که دولت، تصمیمات هر چه بیشتری برای واردات وضع کرده است و می خواهد از طریق اشباع بازار، با تورم مبارزه کند. تسهیل در امر واردات، خود باعث شده است که تقاضا برای ارز افزایش یابد و در نتیجه، نرخ برابری ریال علیرغم تمهیدات دولت رو به کاهش بگذارد. تا کنون مردم از سیاستهای اقتصادی جدید ثمرهای ندیده اند. سود تحولات اقتصادی اخیر به جیب تجار و سرمایه داران می رود. به عنوان نمونه، آزاد شدن صدور فرش، قیمت فرش را در بازار ایران افزایش داده است. این افزایش در مورد برخی اقلام فرش به ۴۰ درصد بالغ می شود. به نوشته روزنامه های تهران در هفته گذشته بهای هر کیلو گوجه فرنگی و پیاز به ترتیب به ۸۰۰ و ۳۵۰ ریال و بهای هر کیلو سیب زمینی در عمده فروشی به ۲۰۰ ریال رسیده است. در ماه گذشته بهای هر کیلو گوجه و پیاز به ترتیب ۳۰۰ و ۱۸۰ ریال بود.

احمد خمینی:

رابطه با آمریکا، هرگز!

احمد خمینی یکبار دیگر با طرح برقراری مناسبات سیاسی با آمریکا مخالفت کرد. مخالفت وی این بار شدت بیشتری از اشارات پیشین وی داشت. او رابطه با آمریکا را برای همیشه نادرست شمرده و طی سخنان شدیدالحنی گفت: قابل تحمل نیست کسانی به بهانه مطالبات ما از آمریکا، روابط ما را آنان قابل بررسی و تأمل بدانند. احمد خمینی این سخنان را در دیدار با نمایندگان فرهنگی رژیم در خارج اظهار داشته است. پیش از این دکتر ولایتی و هاشمی رفسنجانی هر یک جداگانه در گفتگو با خبرنگاران خارجی گفته بودند دولت آمریکا در صورت استرداد سپرده های بلوکه شده ایران، زمینه تجدید مناسبات را فراهم خواهد آورد. احمد خمینی در این دیدار هم چنین افزود: ساده اندیشانی که گمان می برند مشکلات اقتصادی و سیاسی ما، در برقراری رابطه با غرب و در راس آن آمریکا حل می شود سخت در اشتباهند.

تغییر ساعت هادر ایران

بنا به تصمیم دولت رفسنجانی، ساعتها در سراسر ایران از نیمه شب جمعه ۱۳ اردیبهشت ماه یک ساعت به جلو کشیده شد. دولت با صدور بخشنامه ای به نهادهای مختلف، از آنان خواست که از روز جمعه، ساعت خود را به وقت جدید تنظیم کنند و از روز شنبه فعالیتهای خود را بر اساس آن آغاز نمایند. این نخستین بار است که در حکومت اسلامی ساعتها تغییر می کند. روحانیون همواره با تغییر ساعت بدلیل ایجاد آشفتگی در اوقات شرعی مخالفت می کردند. تغییر ساعات میلیونیها ریال در مصرف انرژی صرفه جویی ایجاد خواهد کرد. همزمان با تغییر ساعت، بخش خبری اخبار رادیو نیز از ساعت ۲۰ به ساعت ۱۹ تغییر کرد.

فعال شدن مجدد

"دایره مبارزه با منکرات"

تهران در هفته های اخیر شاهد فعال شدن مجدد "دایره مبارزه با منکرات" بود. از اول و اوایل با حمله به زنان "بدحجاب"، کوشیدند جو آرها را دوباره برقرار کنند. این حملات به تشنجاتی انجامیده است. از جمله، مقر مرکزی "دایره مبارزه با منکرات" در خیابان شریعتی تهران شاهد تجمع بستگان زنان و دختران جلب شده به این مرکز و اعتراض آنها به تحرکات جدید مأموران مبارزه با منکرات بود. برخی از گزارشها حاکی از ارتباط فعال شدن دایره مزبور با اقدام کمیته و شهربانی است. این احتمال وجود دارد که عناصر افراطی کمیته با اقدامات اخیر خواسته اند ناخوشنودی خود را از روند جاری اقدام سازمان نشان دهند و یا این روند را تحت تأثیر مطلوب خود بگذارند. تا قبل از تحرکات اخیر، چند ماه بود که مبارزه حزب الله و کمیته با "بدحجابی" به سطح یک اقدام بوروکراتیک کاهش یافته بود. در تهران به غیر از مراکز معینی مانند پارک ملت، تحرکات ضد "بدحجابی" نمود چندانی نداشت.

هواپیماهای "ایران ایر"

نیمه خالی پرواز می کنند

با گران شدن بلیط پروازهای خارجی، هواپیماهای ایران ایر نیمه خالی به خارج از کشور پرواز می کنند. بسیاری از کسانی که قصد مسافرت دارند، منتظر اعلام تخفیف های جدیدند. مراجع برای خرید بلیط هواپیما که در گذشته به از دحام در دفاتر فروش هما می انجامید، بسیار کمتر و این دفاتر خلوت تر شده است.

یزدی مدت محکومیت

راجر کوپر را فراموش کرده است

بدنبال جنجالی که در پی آزادی راجر کوپر در مطبوعات تهران و در مجلس برپا شده است یزدی رئیس قوه قضائیه در مصاحبه با جمعی از خبرنگاران شرکت کرد. کوتاه شده برخی از پرسش و پاسخها را در زیر می خوانید: خبرنگار: چرا مدت محکومیت راجر کوپر قبلاً اعلام نشده بود؟ یزدی: به هلت اینکه بایستی تکلیف راجر کوپر در دادگاه نهائی مشخص می شد. خبرنگار: کیان: راجر کوپر ادعا کرده است که خودش نمی دانسته که مدت محکومیتش تمام شده و یا مورد هتو قرار گرفته است. با توجه به اینکه ادعای وی توسط قوه قضائیه تکذیب شده است، بفرمائید که محکومیت ایشان در چه زمانی صادر شده و چه مدت بوده است؟ یزدی: ... چگونه ادعا می کنید که معامله سیاسی انجام شده است؟ خبرنگار: کیان: در سؤال من بحث انجام معامله سیاسی وجود نداشت... ممکن است زمان صدور حکم محکومیت نامبرده و مدت محکومیتش را اعلام کنید؟ یزدی: الان به خاطر من نیست. در حین مصاحبه یزدی در پاسخ خبرنگاری که پرسیده بود آیا در ایران زندانی سیاسی وجود دارد بدینگونه پاسخ داد که در ایران "زندانی

رفسنجانی: حجاج ایرانی

راهپیمایی نخواهند کرد

در مراسم حج سال جاری بر خلاف سالهای پیش حجاج ایرانی تظاهرات و راهپیمایی نخواهند کرد. این مطلب را هاشمی رفسنجانی در گفتگویی با دانشجویان دانشگاه شیراز اظهار داشت. وی گفت در عوض دولت سعودی مکانی را در اختیار سرپرست حجاج ایرانی قرار خواهد داد که حجاج را برای انجام مراسم "برائت از مشرکین" به آنجا ببرد. رفسنجانی در این گفتگو که به پرسشهای دانشجویان پاسخ می گفت پیرامون مسئله راجر کوپر بار دیگر مدعی شد که وی پس از پایان محکومیتش رها گردیده است. این در حالی است که هفته پیش از آن مهاجرانی معاون وی اعلام داشته بود رهائی کوپر به تصمیم شورای عالی امنیت ملی انجام شد.

محاکمه سری معاون وزیر

یزدی رئیس دستگاه قضائی کشور گفت که هم اکنون محاکمه یک معاون وزیر در تهران در جریان است. وی از بردن نام متهم و اتهامات او خودداری ورزید و گفت: نمی شود که این مسائل را به روزنامه ها کشاند. لازم به یادآوری است که در سال گذشته یزدی اعلام داشته بود که به دادگاههای کشور بخشنامه شده است که همه محاکمات باید علنی صورت بگیرد. در باختران معاون استانداری این استان و نیز مسئول ستاد بازسازی همراه با سیزده تن دیگر محاکمه می شوند. اتهام آنها ارتش و سو مدیریت است. در پی انتشار این خبر، وزیر کشور طی نامه ای به درج خبر محاکمه معاون استاندار اعتراض کرد.

نرخ ارز افزایش یافت

پس از یک کاهش چند هفته ای، قیمت ارز در بازار آزاد تهران، مجدداً به میزان قابل توجهی افزایش یافت. روز جمعه گذشته هر دلار آمریکا معادل ۱۳۹ تا ۱۴۰ تومان، که حدود ۴ تومان بیش از هفته قبل بود. خرید و فروش شد. در همین روز لیره استرلینگ ۲۴۰ تومان، مارک آلمان ۸۲ تومان و فرانک فرانسه ۲۴ تومان مبادله شد. دولت بهای دلار شناور را ۱۳۵/۲ تومان اعلام کرد. نوسانهای اخیر در قیمت ارز کماکان نشانه عدم ثبات اقتصادی ایران است.

رفسنجانی: سرمایه داران

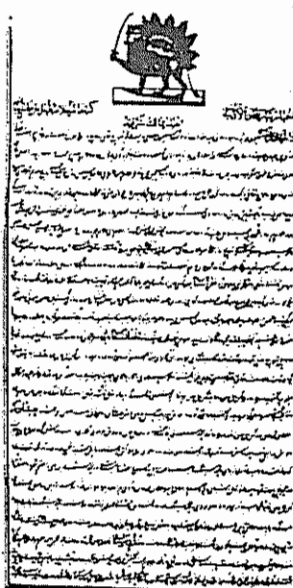
می توانند برگردند

هاشمی رفسنجانی در جریان یک ضیافت شام در سفارت جمهوری اسلامی در آنکارا، مدعی شد که دولت او می خواهد اعتماد ایرانیان مقیم خارج را به دست آورد و آنها را به سرمایه گذاری در کشورشان تشویق کند. وی گفت: مشکلات ایرانیان مقیم خارج باید حل شود و امنیت آنها تضمین گردد. رفسنجانی افزود سفارتخانه های ایران باید با تمام ایرانیان چه کسانی که می خواهند باز گردند چه آنهایی که مایل هستند در خارج بمانند با مهربانی رفتار کنند. رئیس حکومت اسلامی تأکید کرد: ایرانیان مقیم خارج باید تشویق شوند سرمایه خود را در ایران به کار اندازند و نباید آنرا در اختیار دشمنان بگذارند. او خاطر نشان کرد: تنها اندکی از ایرانیان به راستی ضد انقلاب هستند. سخنان رفسنجانی به دنبال اقدامات پراکنده ای صورت می گیرد که از سوی برخی سفارتخانه های رژیم برای تماس با ایرانیان مقیم خارج انجام گرفته است. در هفته گذشته، وزیر صنایع و رئیس بانک مرکزی حکومت اسلامی نیز برای توضیح برنامه های اقتصادی دولت در جمع ایرانیان مقیم آمریکا به آن کشور رفتند. مجموعه اقدامات رژیم متوجه جلب سرمایه داران و متخصصین بوده است و هنوز هیچ گونه اقدامی که بتواند راه بازگشت توده مهاجرین را بگشاید صورت نگرفته است. گزارشهای رسیده از ایران نشانه ادامه فشار بر مخالفین و توده مردم است.

عقیدتی "نداریم. وی اضافه کرد که هر گاه کسی مبتنی بر عقیده اش به اقداماتی از قبیل پخش اعلامیه دست بزند دستگیر و محاکمه می شود.

نخستین نشریه چاپی ایران

اول ماه مه امسال، ۱۵۴ سال از عمر مطبوعات در ایران گذشت. هر چند در مورد زمان انتشار نخستین نشریه چاپی در ایران هنوز اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما اکثر محققان نشریه‌ای دو صفحه‌ای موسوم به کاغذ اخبار را که نخستین شماره میلادی (مطابق ۲۵ محرم ۱۲۵۳) انتشار یافت، نخستین نشریه ادواری چاپی در ایران می‌شناسند. این نشریه نام و عنوان خاصی نداشته اما به اخبار، اخبار وقایع و بیشتر کاغذ اخبار مشهور بوده و توسط میرزا صالح شیرازی انتشار می‌یافته است. میرزا صالح که در سال ۱۸۱۵ میلادی همراه ۴ تن دیگر برای تحصیل به انگلستان فرستاده شد، در آنجا فنون چاپ و روزنامه‌نگاری را آموخت و پس از بازگشت به ایران اقدام به انتشار کاغذ اخبار کرد. این نشریه به زبان فارسی و در قطع



نخجوانی در تبریز موجود است. شماره ۲ از این نشریه یعنی شماره‌های ریبع الثانی ۱۲۵۳ و جمادی الاول ۱۲۵۳ هجری قمری نیز در کتابخانه موزه بریتانیا

فرهنگنامه روز

حزب سبزها

در هفته گذشته یکی از مهمترین مسائل سیاسی روز در آلمان فدرال مسئله سرنوشته حزب سبزهای این کشور بود. با نظر به این که حزب سبزهای آلمان قوی ترین جریان در میان جنبش سبزهای اروپاست و روندهای درونی آن تاثیر مستقیمی بر روی این جنبش می‌گذارد، موضوع سبزهای آلمان مورد توجه همه ناظرین مسائل سیاسی اروپا قرار دارد. حزب سبزهای آلمان در روزهای ۲۷ و ۲۸ آوریل یکی از داغترین کنگره‌های خود را پشت سر نهاد. بحث‌های این کنگره چنان داغ و خاد بود که بارها کنترل جلسه از دست گردانندگان آن خارج شد. این کنگره نتوانست به همه مسائلی که در دستور کار خود داشت، رسیدگی کند. کنگره شاهد مصاف شدیدی دو جناح موسوم به واقع‌گرا و ایدئیکال سبزها بود. جناح بندی در میان سبزها پدیده‌ایست که از زمان شکل‌گیری این جریان مهمترین مساله آن بوده است. غالب رهبران سبزها از دل جنبش دانشجویی و اوخر دهه ۶۰ سر بر آورده‌اند. آنها در دهه ۷۰ سخنگویان و رهبران حرکت‌های مستقل شهری و دهان آلمانی صلح و خلع سلاح، حفظ محیط زیست، دفاع از برابری حقوقی زنان و مقابله با قوانین ضد دموکراتیک دولت بن بوده‌اند. جریان‌های مختلفی که در این زمینه‌ها فعال بودند در سال ۱۹۸۰ به هم گرویده و حزب سبزهای آلمان را پایه نهادند. جنبش سبزها به تدریج به دیگر کشورهای اروپای غربی تسری یافت. در اوت ۱۹۸۷ در شهر استکهلم نمایندگان احزاب سبز اروپا گرد آمدند و "انترناسیونال سبزها" را برپا کردند. کنگره موسس حزب سبزهای آلمان، جریان چپ و دموکراتیک بر جریان محافظه کاری که وظیفه سبزها را تنها پرداختن به مسئله حفظ محیط زیست می‌دانست، قلمه یافت. سیمای دموکراتیک حزب باعث شد که سبزها در طیف معتدل در جامعه آلمان بویژه در میان جوانان جا باز کنند و سر به سرست. به یک فاکتور سیاسی تبدیل گردید. این حزب توانست در انتخابات سال ۱۹۸۳ به پارلمان بن راه یابد. در دوره بعدی نیز سبزها توانستند به مجلس نماینده بفرستند. اما در انتخابات سال گذشته کاندیداهای سبزهای آلمان فزونی یافتند. این جریان احزاب پارلمانی بگذارند. در برخی از پارلمان‌های ایالتی حضور آنها ادامه دارد. آنها در دوایالت نیدرزاکسن و هسن در دولت

نگهداری می‌شود. کلیشه این صفحه، رونوشت یکی از نسخه‌های نشریه کاغذ اخبار را نشان می‌دهد.

انتشار یک کتاب جنجالی

یک سازش پنهانی با جانشین او میسر شده است. ۲ هفته قبل "گاری سیک" مشاور امنیت ملی کارتر نیز سخنانی مشابه با آنچه بنی صدر گفته بر زبان آورد. وی چند روز پیش برای بررسی این موضوع با ۱۰ تن از نمایندگان دموکرات‌ها در کنگره آمریکا دیدار کرد. کارتر و گاری سیک خواهان تشکیل کمیسیون تحقیق پیرامون این موضوع شده‌اند. چگونگی آزادی گروگان‌ها اکنون به یک مسئله جنجالی در آمریکا بدل شده است. گفتنی است که دنبال انتشار کتاب بنی صدر، دولت آمریکا از دادن ویزای ورود به آن کشور به وی خودداری کرد. بنی صدر هفته گذشته تجد داشت برای معرفی کتاب تازه‌اش به آمریکا بروید. مطابق قوانین آمریکا افرادی که در اقدامات خشونت‌آمیز علیه مقامات آن کشور شرکت داشته‌اند، اجازه ورود به خاک آمریکا را ندارند. مقامات آمریکایی می‌گویند بنی صدر که در زمان گروگانگیری رئیس حکومت اسلامی بوده، در این ماجرا دست داشته است. روز ۵شنبه پیش، سرانجام وزارت خارجه و دادگستری آمریکا با صدور ویزای ورود به خاک این کشور برای بنی صدر موافقت کردند.

ایوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور سابق حکومت اسلامی کتاب تازه‌ای منتشر کرده است. بنام "نوبت سخن گفتن من". بنی صدر در این کتاب گوشه‌هایی از ماجرای پشت پرده آزادی گروگان‌های آمریکایی را فاش کرده و نوشته است که مقامات حکومت اسلامی با ستاد انتخاباتی ریگان - بوش در تماس دایمی بوده و برای جلوگیری از انتخاب مجدد کارتر یک معامله سری با آنها انجام داده‌اند. مطابق این معامله آزادی گروگان‌ها تا پاس از مبارزات انتخاباتی نوامبر ۱۹۸۰ به تأخیر افتاد. بنی صدر ادعا می‌کند که جرج بوش رئیس جمهور فعلی آمریکا و معاون ریگان شخصاً در مذاکرات پنهانی با مقامات اسلامی شرکت داشتند. در این مذاکرات توافق شده بود که در ازای آزادی گروگان‌ها تنها چند دقیقه پس از آغاز ریاست جمهوری ریگان در ژانویه ۱۹۸۱، دولت وی به حکومت خمینی اسلحه بدهد. در حالیکه به عقیده بسیاری، ناتوانی کارتر در آزادی گروگان‌ها یکی از دلایل عمده شکست او در مبارزه با ریگان بوده است. اکنون روشن می‌شود که شعار خمینی مبنی بر اینکه "کارتر باید برود" تنها از طریق مسئولین اگر زندگی‌شان هم طراز هم طراز افراد ضعیف و خانواده‌های پائین است، کمک می‌کنند؟ ضد انقلاب شایع کرده هم آن حرف‌ها و هم این کمک‌ها برای خود شیرینی است. چه می‌فرمائید؟

استفاده از میمون‌ها برای کمک به معلولین

به گزارش خبرگزاری فرانسه در حال حاضر در غرب این کشور شش میمون به عنوان دستیاران افراد دچار فلج، تربیت می‌شوند. قرار است در نتیجه این آزمایش بی‌سابقه نخستین "میمون‌های دوره دیده" در سال ۱۹۹۵ کار خود را آغاز کنند. میمون‌های مزبور را از پرو برزیل به فرانسه آورده‌اند. مسئول پروژه نامبرده معتقد است این نوع ویژه

میمون، به علت هوش و طبع ملایم آن کارایی خوبی برای کمک به معلولین در غلبه بر دشواری‌های زندگی روزمره دارد. وی می‌افزاید این میمون‌ها می‌توانند در برداشتن اشیایی که به زمین می‌افتد، آوردن لیوان و کارد و چنگال، باز کردن در به معلولین کمک کنند و جای پرستاران و بهیاران را بگیرند.

باران و من!

گاه با خود می‌اندیشم که: قطرات باران از لحظه‌ای که از ابر جدا می‌شوند تا زمانی که به زمین می‌رسند آزادترین موجودات دنیا هستند. قطرات بارانی که محکومیت پیدا کرده‌اند به دریاچه‌ها تبعید می‌شوند. بزرگترین آرزوی قطرات باران این است که به دریاهای آزاد بریزند. بیدشانس‌ترین قطرات باران قطراتی هستند که بین زمین و آسمان یخ می‌زنند و تبدیل به برف می‌شوند.

پرسش و پاسخ!

زندگی و معیشت ما مسئولان جامعه بایستی هم طراز افراد ضعیف و خانواده‌های پائین جامعه باشد تا همواره درک درستی و همیتی از زندگی کمر شکن مردم داشته باشیم. - بوادر کربوبی - ۱۵ فروردین ۷۰ به مناسبت هفته کمک به محرومان و مستضعفان از سوی حجت الاسلام مهدی کربوبی مبلغ ۱۰ میلیون ریال به کمیته امداد خمینی (ره) امداد شد. همان جریده - ۲ روز بعد سوال: برادر حاج خوش خیال دامت برکاته! هر چند ما خودمان به همه برادران، هلی‌الخصوص آن سید مظلوم واقع شده، اطمینان کامل داریم، اما در این روزها حرف‌های ناگواری شنیده‌ایم که

نظرات ایشان را التقاطی می‌دانستند؟ چه کسانی ایشان را اوایل انقلاب به فیضیه راه ندادند؟ چه کسانی با مالیات مخالفت می‌کردند؟ گروه ۹۹ نفره چه کسانی بودند؟ چه کسانی حکم مولوی و ارشادی را برای تضعیف دولت مطرح می‌کردند؟ چه کسانی در مقابل قانون کار می‌ایستادند؟ (جلسه ۱۵ فروردین)

ای علما، جلوی اینها را بگیرید!

نمی‌خورد و قابل عمل نیست و متعاقب آن مجدداً به بهانه‌های مختلف طرح انحلال مجلس را مطرح میکنند... مگر تاریخ گویای بروز استبداد و اختناق و دیکتاتوری بلافاصله پس از تضعیف مجلس نبوده است؟ انحلال مجلس سبب سبب گستاخانه‌ای است که حرف شاهان و سلاطین خون آشام است. این نغمه شوم جز از حلقوم رضاخان‌ها و شاهنشاهان بر نیامده است... ای علما، اسلام، ای مراجع عظام،

آیا خط فشار قوی سرطان زاست؟

از حدود ۱۵ سال پیش، تعداد اندکی از دانشمندان به تحقیق در این باره مشغولند که میدانهای الکترومغناطیسی که در پیرامون خطوط برق فشار قوی و لوازم برقی خانگی ایجاد می شود سرطان زاست یا نه. تاکنون شواهد بسیاری یافته شده است که گسترش تحقیقات و اختصاص بودجه به آن راضوری می کند در حال حاضر در ایالات متحده حدود ۳۰۰ دانشمند سرگرم پژوهش در این باره اند.

تابستان سال گذشته یک مقاله در روزنامه معتبر نیویورک تایمز توجه زیادی به خود جلب کرد. موضوع این مقاله این بود که بیماری های توموری برخی ساکنان خیابان مدودر شرک کثیففورد ناشی از تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم تشعشعات الکترومغناطیسی است. یانه در یک سمت خیابان مدو که ساکنان سایر محلات کثیففورد به آن لقب خیابان سرطان راداده اند، یک پست تبدیل ولتاژ متعلق به شرکت نورت وست یوتیلیتی نیز قرار دارد و از آن، کابل های قطور فشار قوی در فاصله کمی از بالای خانه های سمت مقابل خیابان عبور می کند. طی مدت نسبتاً کوتاهی از ساکنان هفت خانه ویلایی مزبور دو نفر به فده بدخیم مغزی، یک نفر به فده بدخیم مهب بینی و یک نفر به یک فده مغزی دچار شد که جراحان اعصاب آن را یک فده خوش خیم دانسته اند. این همزمانی بروز فدهی که در مواقع عادی بسیار نادرند، در سراسر آمریکا بار دیگر به بحث در باره خطرات احتمالی میادین الکترومغناطیسی دامن زد.

در پایان سال ۱۹۹۰ سازمان حفاظت از محیط زیست آمریکا گزارشی منتشر کرد که نقدی بر داده های علمی تا به امروز است. سازمان مزبور نکات پژوهش های علمی را اینگونه جمع بندی کرده است: میدانهای الکترومغناطیسی، یک علت احتمالی بروز بیماری سرطان نزد انسان است. اما برای این فرضیه تاکنون دلایل غیر قابل تردیدی وجود ندارد.

ناسی

ورتجایم، اپیدمیولوگ در دانشگاه کلرادو، که کارهای تحقیقی اش برای نخستین بار ۱۵ سال پیش اشاراتی به ارتباطات احتمالی میان میدانهای الکتریکی و سرطان داشت، در مصاحبه با نیویورک تایمز گفته است: "اکنون به ما اطلاعاتی می رسد که حاوی نشانه هایی از مکانیزم های فرضی علت و معلول است."

در بهار سال گذشته دی. ای. ساوتیز از دانشگاه کارولینای شمالی، یک پژوهش جنجال برانگیز منتشر کرد. این محقق، کشف کرده بود که اگر مادران هنگام بارداری ابتلا ی کودکان آنها به فده مغزی دو و نیم برابر می شود. علاوه بر این، نزد این کودکان احتمال ابتلا به سرطان خون ۷۰ درصد افزایش می یابد. ابتلا به سایر انواع سرطان نیز ۳۰ درصد بیشتر می شود. در نتیجه این کشف، دو شرکت باقی مانده سازنده پتوهای برقی در آمریکا برای پیشدستی کردن از تدابیر قانونی، بدون سرو عدا می کوشند در محصولات خود شدت میدانهای الکترومغناطیسی را به حداقل کاهش دهند. سازمانهای حمایت از مصرف کننده آمریکا در حال حاضر با تاکید به امضای خود توصیه می کنند که کودکان زنان باردار از پتوهای برقی و تشک های برقی دوری جویند.

برخی پژوهش های دیگر اپیدمیولوژیکی، این ظن را تأیید می کنند که میادین الکترومغناطیسی با فرکانس بالا می توانند عامل مهمی در ایجاد سرطان باشند. وسائلی برقی مانند خشک کن مو که در فاصله نزدیکی از پوست بدن مرتب روشن و خاموش می شوند، احتمالاً در جریان تحقیقات بعدی خطرناک ارزیابی خواهند شد. بیش از یک دهه است که

دانشمندان، در سطح بین المللی با نگرانی در این مورد بحث می کنند که میدانهای الکترومغناطیسی ضعیفی که بطور مرتب در نزدیکی خطوط انتقال فشار قوی اندازه گیری می شود، منشا سرطان یارشد ناسالم اند یا نه. البته در سالهای گذشته در جریان مباحث علمی منتشر شده، این نظر فلبه داشته است که این میدانها ضعیف تر از آنند که بتوانند بر سیستم های بیولوژیکی تاثیر بگذارند و مثلاً حرارت سلولهای بدن را بالا برده یا از طریق دیگر، مستقیماً منشا آسیب های ژنتیکی شوند.

از این رو دیوید کورن، رئیس کمیته مشورتی ملی سرطان، در یک نشست سازمان داده شده از سوی سازمان حفظ محیط زیست آمریکا از نظری جانبداری کرد که

امریکایی "ساینس فیک امریکن" بالحنی کنایه دار، آن را اینگونه بازتاب داد: "هنوز مکانیزم تاثیر گذاری کشف نشده است، و بنا بر این من به امکان چنین تاثیر گذاری اعتقاد ندارم." برخی دانشمندان دیگر، به کورن و سایر مخالفان یادآوری کرده اند که از مدتها پیش ثابت شده است "سیستم" جای بیولوژیکی مانند اوال جا، گوسفند و بسیاری دیگر از حیوانات بر اساس میدانهای ضعیف الکترومغناطیسی در مسافتهای طولانی جهت یابی می کنند.

اکنون جبهه دانشمندان مخالف نظریه تاثیر میدانهای موجودات زنده که زمانی یکپارچه بود، رفته رفته پراکنده می شود. مثلاً در سال ۱۹۸۹ دایره استانداردهای صنعتی کنگره آمریکا در یک گزارش این نظر را ابراز کرد که به هیچ وجه نمی توان در رابطه با میدانهای الکترومغناطیسی فرض را بر این گذاشت که هیچ خطری وجود ندارد.

همین اخیراً دو دانشمند امریکایی پس از آزمایشهایی، نظریه ای در مورد چگونگی ایجاد آسیب در سلولها تدوین کردند. ربام، گودمن از دانشگاه کلمبیا نیویورک و آن هندرسن از دانشگاه شهر نیویورک بر این نظرند که میدانهای الکترومغناطیسی بطور غیر مستقیم محرک سوخت و ساز برخی ژن ها بوده و از این طریق می توانند بر تولید برخی پروتئین های تاثیر بگذارند.

این دو محقق، سلول های "مرگ ناپذیر" سرطانی ی در خون را در معرض یک میدان متغیر الکترومغناطیسی قرار دادند که در اصل می بایستی به درمان شکستگی استخوان کمک کند. در این آزمایش این دو دانشمند مشاهده کردند که برخی ژن ها، بطور چشمگیری بر تولید اسید ریبونوکلئیک افزودند. طی تحقیقات علمی دیگری مشاهده شد که در پیرامون لوازم برقی خانگی که میدانهای دارای فرکانس ۶۰ هرتز دارند، می توانند بر ژن ها تاثیر بگذارند. این تاثیر در میدانها دارای فرکانس ۴۵ هرتز چشمگیر تر بود.

تحریک ثبت شده ژن ها پس از قرار گرفتن آنها در میدان الکترومغناطیسی به مدت حدود ۲۰ دقیقه بالاترین مقدار را داشت و سپس رو به کاهش نهاد. عجیب این بود که تاثیر مشاهده شده در میدانهای توی الکترومغناطیسی - مانند پیل امون خطوط فشار قوی - به وضوح ضعیف تر بود. میز حال سویگورد، سخنگوی اداره مواد غذایی و دارویی آمریکا در باره تحقیق علمی گردمن و هندرسون گفت: "من مایلیم این نتیجه ها را باور کنم." باری ویلسون از آزمایشگاه باتل پاسیفیک نورت وست در شهر

ریچلند ایالت واشنگتن کشف کرد که میدانهای ضعیف الکترومغناطیسی نزد موشها تولید فورمون ملاتونین در بدن را کاهش می دهند. ملاتونین قدرت دفاعی بدن را تقویت می کند، جلوی تولید فورمون های مسبب رشد سرطان مانند اوستروژن ها و پرولاکتین را می گیرد و در آزمایش های انجام شده روی حیوانات و انسان، مانع رشد سلول های سرطانی می شود. برخی پژوهشگران بر این اعتقادند که بویژه تومورهای مغزی می توانند بر اثر میدانهای الکترومغناطیسی ایجاد شوند. علاوه بر این شواهدی نیز وجود دارد که میدانهای الکترومغناطیسی می توانند هم نزد زنان و هم نزد مردان به سرطان سینه بیانجامند. رچارد استیونس، اپیدمیولوگ سرطان در موسسه باتل، علت احتمالی این امر را کشف شدن تولید ملاتونین می داند. به عقیده او، رابطه میان میدانهای الکترومغناطیسی و کاهش تولید ملاتونین می تواند این امر را توضیح دهد که زنان در کشورهای صنعتی بیشتر از زنان کشورهای رشد یافته دچار سرطان پستان می شوند.

سازمان حفاظت از محیط زیست آمریکا در یک تحقیق انجام شده با بودجه دولتی به این نتیجه رسیده است که احتمالاً ارتباطی میان میدانهای الکترومغناطیسی و افزایش ۲۰ درصدی ابتلا ی کودکان به سرطان خون در اطراف خطوط فشار قوی وجود دارد. دانشمندان موسسه تحقیقات سرطان سازمان بهداشت جهانی در لیون و موسسه بهداشت لندن نیز در باره تاثیرات میدانهای الکترومغناطیسی بر سلامت انسان تحقیق کرده اند. آنها نزد گروه "کارکنان رشته برق" افزایش خطرناک ابتلا به سرطان خون به میزان ۴۰ درصد را کشف

نموده اند. پزشکان نروژی، آمار سرطان کشورشان از ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ را تجزیه و تحلیل کرده اند. در آن زمان ۳۸ هزار مرد در مشاغل کاری کردند که طی کار در معرض میدانهای توی الکترومغناطیسی قرار داشتند. این امر به ویژه در مورد رانندگان لوکوموتیو و تراموا صادق است. بررسی آماری نشان داد که از این مردان دوازده نفر به سرطان سینه مبتلا شدند، در حالی که اگر ابتلا به این بیماری در این گروه در حد متوسطی بود، رقم آماری ۵/۸ می بایست به دست می آمد. با اینکه هنوز فاصله زیادی تا اثبات رابطه علت و معلولی میان میدانهای الکترومغناطیسی و بروز بیماریهای خطرناک وجود دارد، اخیراً در آلمان صد میکروتسلا برای میدان الکترومغناطیسی در محیطانسان تعیین شد. از آنجا که کودکان و نوجوانان در برابر تشعشع حساسند، پرفسور نهارت از موسسه فدرال حفاظت دربار اشعه نروسی می کند که اتاق های کودکان نباید کنار کابلهای همودی ساختمان، مخازن آب گرم با هیتر برقی یا کنتورهای برق باشند. علاوه بر این خطوط فشار قوی نباید مستقیماً از روی ساختمانهای مسکونی، مدارس و کودکستانها بگذرند. با اینکه دلایل علمی برای خطرات میدانهای الکترومغناطیسی هنوز استحکام کافی ندارند، رفته رفته این باور پرا می گیرد که افزایش احتیاط ضروری ندارد.

منابع: ساینس فیک امریکن، نیویورک تایمز

صحنه فیلم هنگامی که زن به سفارت آمریکا نزدیک می شد، پرچمی که از دور جلوه می فروخت، آرام، آرام بزرگتر شد و سرانجام تمام پرده را پر کرد و من ازدورگاهی که در آن روزهای پرچم سوزان آمریکا بود شنیدم که می گفت "وقتی آنروزها شما پرچم آمریکا را آتش می زدید و زیر پا لگد کوب می کردید، توده مردم آمریکا را به طرزی دیوانه وار به خشم می آوردید. شما چطور نمی فهمیدید که این پرچم سمبل یک ملت بزرگ است، نه مظهر امپریالیسم؟" باید قبول کنم که چوب بی فرهنگی و نادانی خودمان را هم می خوریم و یادمان نرود که ملت ما در اکثریت بسیار بزرگش، دوازده سال پیش با عشق و علاقه خمینی را انتخاب کرد. اینکه کسی هر ساعت زنگیل روی پیشانی را به آدم یادآوری کند و هر دقیقه آینه بدستش بدهد، چندان خوش آیند نیست. اما جز آنچه برای کودکان تهیه می شود، معمولاً دارو ها را برای مزه اش نمی خورند و من و تو ظاهراً تصد نداریم بچه بهانیم، داریم؟ در این خرابه خراب شده، احتیاج داریم که هر از گاهی خودم را "خودآزادی" نگذار، متصفانه نیست و اگر دیواری از تو کوتاه تر پیدا نمی کنم به خاطر حسابی است که روی بزرگواریت می کنم.

مجاجر

دوستان همراهم به خاطر آنکه نمی توانم در بحثشان شرکت کنم، هذر خواستم و مثل گربه ای کتک خورده، کز کرده بر صندلی اتیوس، راهی خانه شدم. تادر آنجا نظاره گر آوار هر شبه باشم: میلیونها انسان، پیر و جوان، کودک و زن، پابرهنه، کز سته، مریض و در سرمای کردستان هرور را لگد کوب می کنند تا شاید لقمه نانی را که نظامی ترک یا ایرانی پرتاب میکند، از میان گل ولای و هم از دست یکدیگر بر بایند. جهان عادلانه... نظم نوین... دیالک... حرف منت... گناجشان چیست این توده ملیونی؟ به کدام جرم؟ چه کسانی آنها را بدین روز سیاه نشانند؟ کسی برایشان "بدون دخترم، هرگز!" نمی سازد؟ چرا کسی نمی گوید که کاخ سفید آنها را بدینگونه ذلیل و خوار کرد؟ تا کی باید سیاست با کثافت هم معنی باشد؟ آنها که دیرری به قیام دعوت کردند، چرا امروز تیغ بدست آن جانی بغداد داده اند؟ نه برادر عزیز! این فقط در نیکار آگوه نیست که عدالت در شرایطی غیر عادلانه باید به بزرگانان تاوان دهد. در همه جا، در ایران، در عراق، در فلسطین، در آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا، اروپای شرقی، شوروی و... در جنوب، شمال، شرق و غرب، عدالت و فرور را به دار آویخته... باید این حقیقت تلخ را قبول کنیم که در آنچه بر ما گذشته و می گذرد، خود نیز کم گناهار نیستیم. جانورهایی مثل صدام و خمینی مگر پروده کجا هستند؟ سیا که مملشان نیاروده... در آخرین

سال، زنی راست و دروغ را سرجم کرده و بعد... در مدتی کوتاه کتابی که هیچ کس برایش ذردای ارزش هنری قائل نیست، دنیا را فتح کرده و حالا نوبت فیلم است که کار کتاب را تمام کند. چه داستانی در کار است؟ اندیشه سازان، آنها که انکار همومی را شکل می دهند، با دلارشان چه ها که نمی کنند. فرورمان، حیثیت مان و همه چیزمان را در این فیلم به مسخره گرفته اند. ایرانی، بربری است که دکتر تحصیل کرده و فرنگ دیده اش، خرکی به تمام معنی است که زرش را اسیر می کند، کتک می زند، شکنجه می کند... دو دکتر در فیلم حضور دارند، یکی از یکی بدتر و جامعه ای که کل سرسبد قشر روشنفکرش اینگونه باشد، آیا در خور این نیست که فرود - در جنگ خلیجی دیگر - بوسیله پاسداران تمدن به ویرانه بدل شود؟ ظاهراً این فرهنگ ملاحوا زن ستیزی حکومت و مذهب است که به تصویر کشیده می شود و همین ظاهر فریبنده زن روشنفکری را که در اکیب ما به دیدن فیلم آمده اند، به دفاع از آن وامی دارد. اما وقتی از همین هابیرسی که مردم عادی اروپا و آمریکا چه تاثیری از کتاب و فیلم می گیرند، هر کدام ده مورد را ذکر می کنند که مورد سؤال واقع شدند: "آیا واقعا ایرانی ها اینطورند و آیا در ایران بجز خوکهایی که زن را برده می دانند و دلالتی کرواتنی طرفدار آمریکا، کس دیگری زندگی نمی کند؟" وقتی از سالن سینما در آمدیم، از

نامه به دوست

دوست وجودم را احساسی که نمی دانم چیست، انباشته است. کینه، نفرت، خشم، یاس و یا معجونی از همه که باید نامی برایش بگویم. اینقدر هست که حس می کنم اعصابم زه کشیده ساز را مانند تلنگری برای خروش و انفجار کافی است. به چیزی برای بیان احتیاج دارم. به وسیله ای که کلام متعارف نیست. هزار طبل می خوام و هزار دست سنگین که همزمان بر آنها بکوبند و هزار سازو بوم... کاش موسیقی می دانستم... کاش کسی را می شناختم که اینکاره باشد... "در انتخابات نیکار گوئه، فرور ملی نبرد را باخت. در شرایطی غیر عادلانه، عدالت باید به بزرگان تاوان دهد." "آیتر از زبان نویسنده دل سوخته او رو گوئه ادوار و گلابانو، در پرتو یکی از آن شمع هایی که هنوز "آنجا" سوسو می زند - شاید این زاویه نا یاست باشد و در ستش این باشد که بگویم "رپرتو یکی از آن شعله جالی که از زیر خاکستر زبانه می کشد - خواندم. آیا این درد مشترک نیست که فریادمی شود؟ آیا احساسی که مرا پر کرده، ناشی از خونریزی فرور زخمی نیست؟ فرور - و نه فقط ملی اش که بالاتر از آن، انسانی اش - همه جا دارد به بزرگان تاوان می دهد. در دیوار، همه جا به آدم دهن کجی می کنند. چند ساعت پیش فیلم را دیدم: "بدون دخترم - هرگز!" از روی پر فروش ترین کتاب

دیدگاهها

در تاریخ هر ملتی لحظاتی هستند که دوران سازند، لحظاتی که گاه سرنوشت آینده‌ای دراز مدت را تعیین می‌کنند. در چنین لحظاتی تاریخ می‌بایست ورق بخورد، به هنگام و به پیش، و با مصالح اکنون آینده نسل معاصر و نسل‌های پس از آن در سمت رستگاری و بهروزی پی‌ریزی شود. در چنین لحظاتی، مسئولیتی سنگین‌تر از هر زمان بر عهده ملت و دولت و مجموع رهبران و پیشاهنگان جامعه قرار می‌گیرد، تعهد اجتماعی از هر انسان مسئولی می‌خواهد تا لحظه را دریابد و برای جامعه و مردم خویش به کار و پیکاری ندادگرا نه بر خیزد.

اکنون، درواری بسیاری از مایه‌های رایج سیاسی، ایران ما، بدون آمادگی و تقریباً تنها، با یکی از خطیرترین لحظات سرنوشت ساز تاریخ خود رو رو شده است. ما دریافته‌ایم ملی و همگانی از این لحظه خطیر نداریم، اگر چه امکانات بالقوه ما برای نجات کشور خویش کم نیستند، اما امکانات بالفعل ما بسیار ناچیز و مجال ما برای درک واقعه و نجات کشور از نکت در کمین بسیار اندک است. در کشور ماتاریخی مشکوک جریان دارد. تاریخی مشکوک و اسرار آمیز و ویرانگر، آمیخته با انفجار بی‌انعکاس خون کشتگان، لفران بر نعش هزاران حماسه بی‌کس، سینه خیز بر ویرانه‌های دهه‌ها شهر و روستای جنگ زده و اقتصادی گسسته و گم هدف. تاریخی سرگردان در دست دولت و ملت و پیشاهنگان. چنین تاریخی برای چنین لحظه‌ای بس ناشایسته است. این لحظه نیازمند آگاهی و احساس مشترک ملی برای بکار انداختن همه امکانات کشور و خیزش به هنگام در راستای رشد شتابان اقتصادی-اجتماعی و شکوفایی فرهنگی است، اما این تاریخ هنوز تاریخ گمراهی و انحطاط‌نوده‌ای، تفرقه و تخاصم ملی، بیداد دولتی و گسختگی سیاسی- معنوی انبوه روشنفکران و پیشاهنگان است.

براستی آیایی توان به هنگامیکه گویدامو کراسی شکست دیکتاتوری را بر ویرانه‌های دیوار برلین جشن گرفت است ما اینگونه بی‌یقین به حرکت تاریخ کشور خود می‌نگریم؟ آیایی می‌توان به هنگامیکه گویا بهشت گم شده شرق سر از غرب در آورده و استثمار ماشین در «بهشت باز یافته» جایگزین استثمار انسان شده و تمدن بر توحش، رحم بر شقاوت، آزادی در دیکتاتوری و پیشرفت بر عقب ماندگی پیروز شده است، ما به تطعیت بهروزی کشور خویش و به «امکانات جدید جهانی» برای رشد و شکوفایی جامعه خود با شک نگاه کنیم؟ چنانچه همه ادعاهای فوق در دست می‌بود، البته جای شک بسیار تنگ می‌شد، اما نادرستی این ادعاها جا را برای یقین‌های ساده‌انگاران تنگ می‌کند. برنده اصلی سترگ‌ترین پیکار تاریخی آیین‌های سیاسی در سده بیست تاکنون دموکراسی رقابت بوده است. (و بازنده اصلی آن «دیکتاتوری عدالت» «دموکراسی متعارف» هنوز صریح‌ترین مفهوم خود را در «آزادی رقابت» - که گویا شعار نخستین آن بود- نشان می‌دهد، نه در آزادی انسانیت که شعار واپسین آن است. چنین برداشتی ره بر خوشبختی‌های کودکانه سیاست دبستانی ما می‌بندد.

اگر قطب‌های پیشرفت در آمریکا، اروپا و خاور دور در چارچوب یک قطب بزرگتر بنام «قطب پیشرفت صنعتی» در نظر گرفته شوند، هم در اقتصاد و هم در سیاست و معنویت این قطب در راستای متغوات یا متضادرامی‌توان دید. تکنولوژی و اقتصاد این قطب راهبر با شتاب و گسترده‌گی غیر قابل مقایسه با دیگر کشورها همچنان پیش می‌تازد و پهنه‌های تازه‌ای را فتح می‌کند. اما در این پیشرفت دو سمتگیری و کارکرد متضاد وجود دارد که با توجه به ناخوشیاری آرمانی سرمایه، این کارکردها را می‌توان یکی تأمین نیازهای بازار صلح و دیگری تأمین نیازهای بازار جنگ نامید، هلیخ هم می‌تواند کر کننده در باره صلح و حقوق بشر و تمدن و امثالهم، تأمین نیازهای بازار جنگ یک نیمه کل اقتصاد «قطب پیشرفت صنعتی» است. این نیمه بطور نسبی سود آورتر از نیمه دیگر اقتصاد این قطب است. اقتصاد جنگ نیازمند حفظ و گسترش بازار مربوط است. این در حالی است که اقتصاد صلح قطب پیشرفت نیز عکس آن را نمی‌خواهد. روزگاری نیچه فیلسوف آلمانی گفت که قدرت تخریب بشر از قدرت سازندگی او بیشتر است. در این روزگار، آگاهی به قدرت هملی- تکنولوژیک آمریکا و اروپا در دردهای دیگر شوری و امثال آن- دلیلی برای سراپا معکوس کردن سخن آن فیلسوف ستیزه جو بدست نمی‌دهد. وجود این هلم و فن جنگی خود بزرگترین و کتمان ناپذیرترین دلیل موجودیت نیروهای عظیم خواهان کاربرد جنگ و تکنولوژی کشتار و تخریب است. هر کلاسی بازاری می‌خواهد، کاجالای جنگی نیز به بازار خاص خود نیاز دارند. بازار تنش و ستیزه و جنگ در میان مردمان و ملت‌ها چگونه می‌تواند به موازات گسترش مداوم هلم و تکنولوژی تخریب و کشتار تنها مدعی حسن نیست در قبال سرنوشت ملل جهانی شد و چنین وانمود کرد که گویا «قطب

پیشرفت صنعتی» فقط مدافع صلح و دموکراسی و پیشرفت است؟ فضای سیاسی این کشورها نه دیروز و نه امروز دلیل کافی برای اثبات چنین ادعایی بدست نمی‌دهد. همینجا بگویم که فضای سیاسی کشورها در حال رشد نیز بهتر از آن نیست و دست هیچ دولتی با حسن نیست به سوی اسلحه دراز نمی‌شود.

زمینه‌یک بررسی

امیر مبینی

پدیده دیگر در کارکرد اقتصادی- تکنولوژیک «قطب رشد صنعتی» این که این قطب از یکسو متناسب به منافع خویش و در قلمروهای مشخصی به همپیوندی و همبستگی جای هملی- تکنولوژیک - اقتصادی دامن می‌زند و راه را برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی فراکشوری فراهم می‌کند، و از سوی دیگر می‌کوشد تا در همه رشته‌های بنیادین و بقولی استراتژیک انحصار هملی- تکنولوژیک خویش را حفظ کند، از نفوذ تکنولوژی پیشرفته به کشورهای فاقد آن جلوگیری و رشد هملی- تکنولوژیک دیگر کشورها را بگونه‌ای هر چه دقیقتر زیر کنترل خود بگیرد و به تمام معنی مهار کند. در کشورهای رشد یافته صنعتی فن اختفای اطلاعات زنده هملی- تکنولوژیک از هر فن دیگری دقیق تر و آینده نگرانه‌تر است. بنابراین ملتی که خیره‌سرا نه تصور نکند می‌تواند وضع هلم و فن مخصوص کشور خود باشد و به لزوم جذب هلم و فن پی برد، بر چنان سیاست و برنامه‌ریزی دقیق و درازمدتی برای جذب هلم و فن نیازمند است که تنها در ظرفیت چند نسل می‌گنجد و به یک ثبات و ادامه کاری سیاسی موثر در پرتو یک حاکمیت واقعا ملی و مینم پرست نیازمند است.

سیاست «قطب پیشرفت صنعتی» با وضوحی بسیار بیشتر از اقتصاد آن توازن و کشاکش روندهای نیک و بد را نشان می‌دهد. در نگاه نخست دموکراسی غرب که بزرگترین هدیه سیاسی- فرهنگی آن به تمدن بشری است- نسبت به دوران پیش از جنگ جهانیتر بنیاد استوار پیدا کرده و در همه سو گسترش یافته است. همین دموکراسی و تکامل آن است که اکنون به اتوریته اول در تاریخ جاری سیاست جهانی تبدیل شده است. اما، بررسی ژرف‌تر وضعیت سیاسی غرب و کل «قطب پیشرفت صنعتی» بشدت راه خوش‌خیالی‌ها را سد می‌کند:

۱- در بافت دموکراسی غرب و در کل جامعه غربی، همچنان گرایش ترقیخواهانه و دموکراتیک با گرایش ضددموکراتیک مبتنی بر نژاد پرستی و توسعه طلبی و زورمداری در ستیزی سنگین و توازنی شکننده قرار دارد.

۲- دموکراسی‌های سیاسی موجود هنوز فاقد همگرایی با دموکراسی اقتصادی و برابری خواهی اجتماعی هستند.

۳- دموکراسی‌های موجود هنوز حامی آرمانخواه دموکراسی در دیگر کشورها نیستند، و غالباً پیش می‌آید که در پی سود و سودای خود از مرجع‌ترین رژیم‌ها نیز حمایت می‌کنند.

۴- دموکراسی‌های موجود حامی دموکراتیسم در مناسبات بین‌المللی نیستند، بلکه عکس همچنان تلاش برای تنظیم مناسبات دولت‌ها و ملت‌ها بر پایه سلسه مراتب زور و زور قاعده اصلی است.

۵- دموکراسی‌های کنونی همچنان بر ناسیونالیسم متکی هستند و نه بر مردم گرایی و او مانیسم این بزرگترین ضعف سیاسی- معنوی این دموکراسی‌هاست. ناسیونالیسم در مفهوم ملت پرستی آن به هرگونه با گرایش نژادی همراه است. ملت پرستی و قوم پرستی، حتی نزد عقب افتاده‌ترین ملت‌ها و اقوام، کم یا بیش بایست پنداری نژادی ملت‌ها و اقوام فرودست یا متخاصم همراه است. ناسیونالیسم تند ملت‌های پیشرفته‌تر دلایل بیشتر و مایه‌های بسیار بیشتری برای نژاد پرستی دارد.

مناسبات غیر دموکراتیک «قطب پیشرفت» با کشورهای هم‌اندک کشورها مانیکسو، توازن شکننده بین گرایش‌های ارتجاعی و ترقیخواهانه در کل این قطب از سوی دیگر، که در برخی از این کشورها ممکن است موجب فلبه گرایش ارتجاعی نژاد

پرستانه و ناسیستی باشد- جایی برای اتکای منفعلانه ما به «امکانات مساعد جهانی» باقی نمی‌گذارد. این امکانات تنها در شرایط صلح و امنیت جهانی و منطقی‌ای و به شرط آنکه جامعه امکانات ملی خودمان را مهم از مادی و معنوی- برای استفاده طبق نقشه از آنها بکار گیریم از توده به فعل در می‌آیند. در غیر این صورت، کشور ما می‌تواند با ضدامکاناتی در مقیاس

ملی و بین‌المللی مواجه شود.

دیگر عامل بزرگ دگرگون کننده وضع جهان ما تحولات شرق سرخ است. تسلیم شرق سرخ به غرب سفید موجب جشنی اسرار آمیز در سراسر جهان شده است. جشنی که روشنفکران این سوی مرز رشد نیز، بی‌آنکه چون صاحبان جشن شرقی در کف و شوری در دل داشته باشند در آن شرکت دارند. برآستی چه می‌گذرد؟ آیا این جشن می‌تواند جشن ما جم باشد، آیا برآستی چنان «تحول مثنی» در جهان رویدادهاست که کشور ما را هم می‌تواند به آینده خویش مطمئن ترکند.

شکست دیکتاتوری و ستم سیاسی- اجتماعی و ملیتاریسم و آیین پرستی دگراندیش ستیز در شرق سرخ یک پیروزی بزرگ برای جهان نیازمند به دموکراتیسم و او مانیسم است. شکست کیش کمونیسم که متأسفانه هلیخ فرم بسیاری آرمان‌های بزرگ مردمی و بشری آن به یک مذهب متحجر و سد راه دموکراسی و رشد تبدیل شده بود- بدلیل خصلت بازدارنده‌ای که یافته بود ناگزیر بود. شکست سیاست دو قطبی جهان و قرار دادن آن در لبه پرتگاه جنگ گرما هسته‌ای ضروری و برحق بود. ما پشتیبان این رویدادها هستیم و در جشن ناشی از این دگرگونی‌ها هستیم. اما ما بی‌کداموهار نیستیم و بشو نه‌ای از آرزو هدیه مانع به آسانی تابع بودن و به بی خیالی شاد بودن می‌شود. آیا همه دگرگونی‌های شرق سرخ و پیامدهای آن در همین خطحق و ضرورت بوده است؟ پاسخ مشروح به این پرسش را می‌گذاریم و در اینجا به یک «ننه» و چند یادآوری بسنده می‌کنیم:

۱- دگرگونی‌های شرق در مقیاس خود این کشورها از آثار دو سمتگیری متضاد داشته است: یکی بسوی دموکراسی سیاسی، بازسازی اقتصادی و نواندیشی و توفرنجگی با پایبندی به آرمان عدالت اجتماعی، دیگری بسوی لیبرالیسم و کاپیتالیسم ابتدایی، ناسیونالیسم افراطی و احیاء فرهنگی. جریان محافظه‌کار مدافع سیستم قدیم که با تقابل نیروهای دو جریان مرکزور روبرو بود به سرعت اکثر مواضع خود را از دست داد. جریان نو اندیش به دلیل ناتوانی در شناخت دموکراسی و تردید در کاربست کامل آن، ناتوانی در راهگشایی اقتصادی و قرار گرفتن در مقام پاسخگو به توده‌های بحران زده، در سمت شکست افتاده است. در مقابل، جریان‌های افراطی عدالت ستیز، با بهره‌گیری از موقعیت ابوزیستیونی خود و توده‌ها مواضع خویش را تقویت کرده‌اند. اکنون چنین دریافته‌ایم که در شرق سرخ تحولی که با تسلیم تدریجی دولت به مردم رو به فراز نهاد با تسلیم تدریجی مردم به سرمایه بدوی در نشیب افتاده است.

۲- دگرگونی «شرق» بگونه‌ای هدایت شده است که به موازات تأثیرات عظیم مقدماتی آن در تقویت جنبش آزادیخواهی در جهان به تضعیف جنبش‌های مدافع عدالت اجتماعی و در عوض حقانیت دادن کذایی به ایدئولوژی و سیاست جریان جای راست افراطی کمک کرده است. تقویت مواضع نیروهایی که خواهان به اصطلاح «آزادی مطلق اقتصادی» یعنی حاکمیت بی‌مهار قلدرترین انحصارات و باندها هستند و تقویت ناسیونالیسم افراطی و شوینیسیم و فاشیسم در برخی از کشورهای شرق و غرب و در کشورهای کم‌رشد یافته نمودار این تأثیر است.

۳- سمتگیری‌های نادرست در تحولات شرق سرخ سبب پیدایش انواهی از کلنی‌ها و قلمروهای نفوذ تازه برای قدرت‌های بزرگ و خیز و واخیزهای تازه‌ای برای احیاء امپریالیسم در محتوای بدوی آن شده است.

۴- در برخی از کشورهای شرق سرخ، اتحاد و همدستی به هر قیمت با قدرترین دولت‌های راستگر علیه آنچه فاشیست‌ها یا مغرض‌ها یا البته‌ها، جهان سوش نام نهاده‌اند به سیاست رسمی تبدیل

می‌شود.

۵- تضعیف مثبت آنچه «تضاد اساسی شرق و غرب» خوانده می‌شد به سوی تقویت و تشدید تضاد شمال و جنوب (تضاد کشورهای صنعتی و شرکای مطمئن آنها با کشورهای کم‌رشد یافته و نارشد یافته) سمتگیری کرده است. از هم اکنون می‌توان گفت که بزرگترین بحران‌ها و فاجعه‌ها در ستر تضاد رشد یابنده شمال و جنوب کمین کرده‌اند.

۶- کاهش خطر جنگ بین شرق و غرب که برای امروز و آینده بشریت ارمغانی بزرگ است- با افزایش امکان قدرت‌های بزرگ برای کاربرد زور و جنگ علیه کشورهای رشد یافته و نارشد یافته همراه شده است. افشا شدن گستره تلاش چندین کشور مقتدر غرب و شرق برای انجام ایران در جریان جنگ ۸ ساله و تلاش‌های «بین‌المللی» برای انجام عراق، با دستاویز بیمکاری‌های صدام، در جریان جنگ اخیر گواهی بر این برداشت است.

همچنین، تحولات شرق اروپا باعث شده است تا این کشورها به رقابت عظیمی برای اختصاص «کمک‌های کشورهای پیشرفته به خود بپردازند. از هم اکنون آشکار شده‌است که زیر شعارهایی چون «همبستگی جامعه اروپایی» و در چارچوب سیاست غرب برای منطبق کردن هر چه بیشتر تحولات کشورهای شرق اروپا با خواست‌ها و منافع خویش، چنین حرکتی به حساب کاهش نسبی سهم کشورهای روبرو شد از این کمک‌ها آغاز شده است.

بدینگونه، مجموع تحولات جهانی، و مشخص‌تر از همه تحولات شرق سرخ و تأثیر آن در جهان را نمی‌توان تنها با خوشبینی نگرینست. نمی‌توان به موازات افزایش امکانات بین‌المللی، افزایش ضدامکانات را نادیده گرفت. نمی‌توان ساده‌دلانه باور کرد که «امکانات جدید» کاروان خوشبختی را با دموکراسی و صلح و پیشرفت باز می‌کنند و با زنگوله‌های برابری- برادری روانه کشور ما می‌سازند. شاید برترین، در فرهنگ غرب و واقع‌نگری آن باشد، که طی سده‌ها کمابیش به یک منتظر پایدار شخصیت آن تبدیل شده‌است. ما به جذب این واقع‌نگری به راه کردن خودمان از چنگ افیون خیال پردازی نیازمندیم.

آیا امکانات جهانی که بتوانند برای پیشرفت و بهروزی ما را یاری دهند اندک است؟ نه! این امکانات بسیار زیاد و گسترده هستند. اما آموزش بزرگ آن است که امکان تنها در صورت وجود امکان ساز و اقصیت می‌یابد. امکان بذلی می‌تواند حتی ضدامکان را در شرایطی به امکان بدل کند و به خدمت بگیرد. اما، امکان کش در دسترس‌ترین امکانات را هم می‌تواند نابود کند. باید گفت تأثیر امکانات و ضدامکانات جهانی بر وضع ما، بسیار زیاد به چگونگی تأثیر ما بر این امکانات و ضدامکانات دارند. برای نمونه جنگ نفت خلیج فارس را در نظر بشیرید. در مقیاس جهانی و ملی، نیروهایی دولت ایران را به شرکت در جنگ بسود عراق و آمریکا ترفیب می‌کردند. شرکت در جنگ به سود عراق یا آمریکا، و با بیطرفی در جنگ، تریک از این شقوق ممکن بود، دولت باگزینش سیاست بیطرفی، یک موضع درست ملی اتخاذ کرد و استفاده از امکانات مثبت بین‌المللی را آغاز کرد. اگر این سیاست پیگیری شود، اگر با بهره‌گیری از شرایط جدید برای بازسازی سریع مناسبات ایران با غرب و کشورهای هربی ساحل خلیج فارس اقدام شود، اگر برای دستیابی به یک همکاری و همپیمانی منطقه‌ای برای صلح و امنیت منطقه تلاش شود، اگر از مناسبات مثبت ایران با کشورهای قبالا عضو «بلوک شرق» در همین راستا بهره‌گیری شود، اگر در راستای همه این سیاست‌ها اولویت جذب هلم و تکنولوژی و رشد اقتصادی- اجتماعی کشور در نظر گرفته شود، آنگاه می‌توان چنین سیاسی را یک سمتگیری در جهت بهره‌وری از امکانات جهانی ارزیابی کرد. چنین سیاستی البته از امکانات مثبت بهره‌مند نمی‌شود، بلکه می‌تواند برخی ضدامکانات را نیز مورد بهره‌برداری قرار دهد. مثلاً، این جنگ باعث رشد یکضدامکان در مقابل آمال‌پان هر بیسم شده است. از این وضع میتوانیم و باید برای فرسایش یکی از منابع جبهه اصلی تمدید امنیت ملی ایران، یعنی جبهه‌پان هر بیسم استفاده کنیم.

شاید توصیف وضع جدید جهانی و تاکید بر سرنوشت ساز بودن لحظه جاری، بدون یاری از نرجمهای جا افتاده کمی دشوار باشد. از این روست که برای ملموس کردن محتوای لحظه برای خودمان ممکن است لازم باشد بگونه‌ای منتطفان اصطلاح دوران استفاده کنیم. نه آن دورانی که با هزار شرط و شروط فلسفی همراه است، دورانی که بطور ساده مبین یک تغییر بزرگ و جهان شمول در جهان‌در مناسبات میان ملت‌ها و مردمان است.

اگر حتی پیدایش «سیستم جهانی سوسیالیستی» و صف آراییی اقتصادی- سیاسی-

گفتگویی میان گریگور گیزی و ارنست مندل

پایان استالینیسیم و چشم اندازهای سوسیالیست ها

نزدیک به یک سال پیش به ابتکار بنگاه انتشاراتی "چاپ چاپ" در برلین، گفتگویی میان گریگور گیزی، رهبر حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان و ارنست مندل، نویسنده و استاد اقتصاد دانشگاه لون بلژیک و از فعالان "بین الملل چهارم"، با موضوع "پایان استالینیسیم و چشم اندازهای سوسیالیست ها" صورت گرفت. این بحث در محافل حزب آلمان بازتاب گسترده‌ای یافت. نظر به اهمیت مسائل مطروحه در این گفتگو، متن پیاده شده از نوار آن را به نقل از ماهنامه آلمانی "دفترهای سیاست آلمانی و بین المللی" چاپ می‌کنیم.

* * *

مندل: می‌توانیم بنا را بر این بگذاریم که احیای وحدت آلمان در چارچوب سرمایه‌داری رانمی‌توان متوقف کرد. چپ‌های جمهوری دموکراتیک آلمان (ج. د. آ) باید خود را برای امکانات فعالیت در یک آلمان متحد، کاپیتالیستی و امپریالیستی آماده‌کنند. همین جا باید تاکید کنم در این آلمان واحد، و بطور کلی در هر کشور اروپای غربی، جایی برای دو حزب سوسیال‌دمکرات وجود ندارد. اکثر سازمانی مانند حزب سوسیالیسم دموکراتیک (ج. س. د) یا گروه‌های مختلف چپ و محافل حزبی ج. د. آ، به یک موضع سوسیال دموکراتیک یا مشتاد در صد سوسیال دموکراتیک تنزل کننده، آینده‌ای ندارند. تنها امکان نیروی‌های سوسیالیست کشورهای سرمایه‌داری و مراکز سرمایه‌داری برای تداوم تبیین هویت و سازماندهی خود، تبدیل بین یک الترناتیو سوسیالیستی مستقل در سمت چپ سوسیال‌دمکراسی، و مایلیم بیافزایم. در سمت چپ سبزه‌ها و جنبش‌های اجتماعی بزرگ نوین است. این امر در جهان امروز که اعتبار سوسیالیسم، از جمله "سوسیالیسم" سوسیال دموکراتیک بسیار ضربه خورده است، ساده نیست. دشوار است، اما غیرممکن نیست.

آنچه به ما اگر نه در کوتاه مدت، حداقل در میان مدت و درازمدت کمک می‌کند، دو گرایش مهم تحول جامعه سرمایه‌داری معاصر است. از یک سو این جامعه بر خلاف تصویری که از آن امروز در اروپای شرقی و همچنین شوروی وجود دارد، مترادف با سطح بالای زندگی نیست. سطح بالای زندگی، در کشورهای جهان سوم که یک بحران اجتماعی و اقتصادی هولناک را از سر می‌گذرانند، و نیز برای بخش فزاینده‌ای از مردم ساکن مراکز سرمایه‌داری، وجود ندارد. بر اثر تحول مینوی و سیاست آگاهانه طبقه بورژوازی و دولت بورژوازی، جوامع دوگانه‌ای به وجود می‌آید و فقر و حاشیه نشینی، نه تنها اقلیت‌های کوچک، بلکه توده‌های وسیع را در بر می‌گیرد. اما در کنار این گرایش‌های مینی تحول که نشان می‌دهد مبارزه برای یک جامعه بهتر و عادلانه‌تر بیش از پیش در دستور کار قرار دارد، یک گرایش ذهنی نیز هست که نباید به آن کم‌باهداد.

واقعیت این است که چشم انداز سوسیالیستی به گونه‌ای از سوی دو جریان بزرگ جنبش سازمان یافته کارگری، یعنی احزاب استالینیسیم از یک سو و احزاب سوسیال‌دمکرات از سوی دیگر، نمایندگی می‌شود. امروز به کلی بی‌اعتبار است. این، دشواری ایدئولوژیک اصلی سوسیالیست‌هاست. اما در همین حال این نیز واقعیت دارد که تعادل ساختارهای حاکم، بسیار متزلزل تر از آن است که در نگاه اول به نظر می‌آید. علیرغم تئوری "پایان تاریخ" که سعی می‌کند آن را به مارکس نسبت دهند و امروز نمایندگان ایدئولوژی بورژوازی از آن دفاع می‌کنند. امروز ما شاهد بی‌ثباتی و وضعیت سیاسی هستیم. این بی‌ثباتی در نتایج انتخابات بازتاب می‌یابد که نسبت به دهه‌های گذشته بسیار متغیرتر است. توافق عملی احزاب سنتی (یک حزب میانه‌رو در سمت چپ و یک حزب میانه‌رو در سمت راست، با تفاوت‌های هر چه کمتر میان آنها) به بخش قابل توجهی از مردم این احساس را می‌دهد که امکان انتخاب واقعی سیاسی ندارند. و این، به یک نتیجه مثبت می‌انجامد. من مخالف پارلماناریسم و انتخابات نیستم. اما با بردگی رای دهندگان مخالفم. این احساس فزاینده که میان احزاب سنتی دیگر انتخاب واقعی در میان نیست، به این می‌انجامد که بخش فزاینده‌ای از مردم می‌کوشند سر نوشت خود را به دست بگیرند و دست به ابتکارهای مختلف غیر پارلمانی می‌زنند تا بتوانند بر تحول سیاسی، تأثیر مستقیم بگذارند، غالب‌ترین نمونه، مربوط به ثروتمندترین و محافظه‌کارترین کشورهای جهان یعنی سوئیس است. یک نظر خواهی عمومی برای محو فوری و کامل ارتش، به یک باره به بیش از سی درصد

آرا و در میان جوانان بیش از ۵۰ درصد آرا دست یافت. لازم نیست بگویم که این نتیجه در میان بورژوازی سوئیس چه وحشتی را باعث شد. البته نباید بیش از حد به اینگونه نمونه‌ها بعد داد. جنبش‌های تک موضوعی پراکنده‌اند و زمان آنها محدود است. اما این جنبش‌ها نوع جدیدی از سیاست و اعمال آن را نشان می‌دهند.

بنابراین برای سوسیالیست‌ها در کشورهای غربی، آینده بلاغی وجود دارد. به این شرط که بطور کامل با این جنبش‌های مختلف مترقی و مردمی همراهی کنند و این همراهی تابع اهداف تاکتیکی و انتخاباتی نباشد. سوسیالیست‌ها باید یک آلترناتیو سوسیالیستی را شکل دهند.

گیزی: من نیز چشم انداز چپ اروپا و نه تنها اروپا را چندان منفی نمی‌بینم، زیرا شاهد تحولات نوین و تضادهای کاملاً نوین در جهان فردا خواهیم بود. من، مسئله اصلی را تضادهایی می‌دانم که به آن عنوان مسائل جهانی بشریت داده‌ام. در این رابطه تنها نباید به مسائل اکولوژیک توجه داشت، بلکه این مسائل را همواره در پیوند با عدالت اجتماعی در نظر گرفت.

در گذشته همواره ادعا می‌شد که میان کشورهای جهان سوم و کشورهای صنعتی یک وابستگی اقتصادی متقابل وجود دارد. این یک دروغ بزرگ است. چنین وابستگی متقابلی هرگز وجود نداشته است. آنچه همواره وجود داشته، وابستگی جهان سوم به کشورهای صنعتی است. ج. د. آ، اثباتی بر این ادعا است. ما ثابت کردیم که بدون موز هم می‌توان زندگی کرد. آنچه واقعا وجود دارد، وابستگی اکولوژیک است. و از این وابستگی باید چنین نتیجه گرفت که ما به ساختارهای نوین اجتماعی و در این رابطه به یک نظم نوین اقتصاد جهانی نیاز داریم. اما تحقق چنین تحولی بدون ساختارهای نوین اجتماعی در کشورهای صنعتی امکان ندارد. از آنجا که بشریت از هم اکنون و در آینده باز هم بیشتر در برابر این مسئله قرار دارد که نابودی خود را پذیرد یا نه و از آنجا که من اندکی به عقل سلیم بشریت امید دارم (چپ‌ها نیز به امید نیاز دارند)، به خود می‌گویم: از آنجا که این مسائل جهانی بشریت، عدالت اجتماعی، مسائل اکولوژیک، مسائل صلح و خلع سلاح، بدون ساختارهای نوین اجتماعی قابل حل نیست، سوسیالیسم و سوسیالیست‌ها فرصت‌های خواهند داشت. این مسائل جهانی هر کشور تأثیر مستقیم تری از آنچه تا بحال گمان کرده‌ایم خواهند داشت. کافی است تنها مسئله پناهندگان را در نظر بگیریم. می‌توان این یا آن مقررات قانونی را در این یا آن جهت وضع کرد. می‌توان تبعیض علیه اتباع خارجی را بیشتر یا کمتر کرد. اما هیچ یک از این اقدامات نمیتواند حتی بخش کوچکی از مسئله را حل کند. مردم هر چه بیشتری این امر را درک خواهند کرد و در خواهند یافت که باید شرایط را مجموع تغییر کند. زیرا در درازمدت امکان ندارد که یک پنجم بشریت بتواند از قبل چهار پنجم آن زندگی کند.

در باره رابطه با سوسیال دموکراسی سخن رفت. من برای سوسیال دموکراسی دستاوردهایی تاریخی قائلم، به ویژه در عرصه اصلاح و دموکراتیزه کردن جامعه سرمایه‌داری، اشتباه است اگر بخواهیم منکر این خدمات تاریخی شویم. آنچه هم انکار نمی‌شود این است که سوسیال دموکراسی هرگز موضع صریحی در این باره نگرفته است. این است که چیز بیشتری نمی‌خواهد. من با این گفته شما موافقم که در این کشور برای دو حزب سوسیال دموکرات جایی نیست از این رو ما می‌گوییم که حزب سوسیالیسم دموکراتیک، یعنی سوسیالیست هستیم. این بدان معنی است که کاملاً آگاهانه از سنت سوسیال دموکراسی می‌آموزیم و می‌کوشیم آن را برای آینده درس بگیریم. اینکه احتمالاً اهداف مشابهی داریم از قبیل اینکه باید سرمایه‌داری را تا آنجا که ممکن است دموکراتیک تر، عادلانه‌تر و اکولوژیک تر کرد. اهداف ما مشابه است اما یکسان نیست زیرا عنوان نمونه، ما تاکید بسیار بیشتری بر جنبه‌های توده‌ای دموکراسی داریم. ما از این فراتر می‌رویم.

ما سوسیالیست هستیم زیرا می‌گوییم نمی‌توان به همین اکتفا کرد بلکه باید در باره ساختارهای نوین اجتماعی اندیشید، ساختارهایی که دیگر منافع نابخواب ایجاد نکند. منظور از منافع و ملاحظات نابخواب این است که منافع محافل حاکم غرب، مغایر با حل مسائل جهانی بشریت است.

بطور قطع همراهی با انواع مختلف جنبش‌های ترقی خواهانه است. علاوه بر این ما باید کار تئوریک انجام دهیم. باید راه‌های رسیدن به هدف را بیابیم و درک کنیم که اصلاً این ساختارهای اجتماعی، به ویژه پایه اجتماعی-اقتصادی آن، چگونه خواهد بود. این امر همواره به رابطه فرم و انقلاب مربوط است. ما اینگونه می‌اندیشیم: فرمی که به تحولات و اقتصاد ساختاری بیانجامد، مصلحت انقلابی دارد. مادر باره چگونه تحقق پذیری اینگونه اصلاحات چیزی نگفته‌ایم زیرا نمی‌دانیم. در فرمول بندی هدفی که می‌دانیم هنوز تحقق پذیر نیست، نباید دچار این اشتباه شویم که از هم اکنون راه آن را تعیین کنیم بدون اینکه موقعیت تاریخی فراهم آمده باشد. یک مسئله عملی، برای آینده از اهمیت اساسی برخوردار است. بر آن رابطه چپ‌ها باید کدیگر است. اگر بخواهیم مسئله را کمی ساده کنیم، می‌توانیم بگوییم چپ‌ها یک ویژگی دارند، ویژگی آنها این است که در موقعیت‌های دشوار، از صف‌انداز می‌کنند. امری که در یک جامعه طرفدار زیادی ندارد. این بدانجا می‌انجامد که چپ‌ها برای خود "شعور برگزیدگان" را قائلند زیرا می‌دانند که در واقع، انسان‌های بهتری هستند. آنها می‌دانند که برتری اخلاقی دارند. انسان به نوعی طرفدار الیتری می‌رسد زیرا می‌دانند که انسان بهتری است و در راه هدف شریف تر اقدام می‌کند اما در کل جامعه پذیرایی ندارد و حتی بر عکس به نوعی اثر و ادچار می‌شود. حال به جای همکاری و همراهی، چپ‌ها از این بی‌سازگاری می‌ترسند که به جنگ ایدئولوژیک با هم بپردازند و علیه یکدیگر به چنان شیوه‌های خصمانه‌ای متوسل شوند که نزد دیگران به کلی بیگانه است. به نظر من ما باید در درون خود بسیار چیزها را عوض کنیم و در میان خود به خلع سلاح دست بزنیم. باید در وهله اول بپذیریم کسی که بطور جدی از یک جنبش چپ، آن هم در شرایطی که سرمایه‌داری دفاع می‌کند، ما با او توجه مشترکی دارد. این برای من بیشتر از هر چیزی در درازمدت است. شخصیت مهربان تر یک نفر دیگر که در جبهه سیاسی دیگری ایستاده است. طبیعی است که هر کس دارای جهان بینی باشد و به آن جدا معتقد باشد، نوعی احساس رسالت می‌کند. من اگر به حقیقتی اعتقاد داشته باشم، طبیعی است که می‌خواهم سایرین را هم متقاعد کنم. اما باید حق این احساس را برای دیگران هم قائل باشم. من معتقدم ج. س. د. متعلق به طبقه چپ اروپاست و چیزی نباید متقابلاً یکدیگر را تحریم کنند بلکه باید یکدیگر را بپذیرند و یاری‌رسانند. وجود اشتراک بسیار زیادی وجود دارد. هم اکنون یک فرصت‌های تاریخی بسیار نادرند. هم اکنون یک فرصت تاریخی وجود دارد. اگر از آن استفاده نکنیم، باید از این بابت در برابر تاریخ پاسخگو باشیم.

مندل: می‌توان مسئله مرکزی توضیح دهنده تحول، سلطه یافتن و فروپاشی فعلی ساختارهای استالینی در اروپای شرقی و کمک‌کننده به فرمول بندی جدید سوسیالیسم را با انجام گیری مستقیم از یک حکم اساسی مارکس، تبیین کرد. موضع مارکس را باید در این فرمول خلاصه کرد: رهایی طبقه کارگری می‌تواند تنها کار خود این طبقه باشد. این امر را یک دولت، یک حزب، پارلمان و سندیکا نمی‌تواند انجام دهند. اینها همه ابزارهایی است که هر چه ضروری است، اما ابزارهایی بیش نیست. رهایی طبقه کارگر تنها می‌تواند کار خود طبقه کارگر باشد. و اما اگر طبقه کارگر آماده این کار نباشد، امروز یا پنج سال یا ده سال دیگر ما هنوز در مرحله اول این رهایی هستیم. نمی‌توان از این واقعیت با فرمول‌های مختلف جایگزینی طفره رفت و مثلاً گفت: از آنجایی که کارگران آماده این کار نیستند، تشکیلات حزب، دولت آن را انجام می‌دهد، و یا یک ارتش خارجی تا وقتی کارگران آماده نیستند، این کار صورت نخواهد گرفت. هیچ جامعه سوسیالیستی که از راه دیگری به جز توافق اکثریت عظیم توده مردمان و زنان مزد بگیر تشکیل شود، وجود ندارد. طبقه کارگر امروز در جهان به یک میلیاردر نابرابر می‌شود و نیروی عظیمی است.

از این امر دو نتیجه حاصل می‌شود: وقتی می‌گوییم رهایی طبقه کارگر تنها می‌تواند کار خود طبقه کارگر باشد، این حکم شامل این است که هیچ الگوی از پیش تعیین شده‌ای از یک فیلسوف، رهبر حزب و اقتصاددان که انحصار حقیقت را داشته باشد، وجود ندارد. می‌گفتند "حزب هرگز اشتباه نمی‌کند" اگر در نظر بگیریم که احزاب در ۶۰ سال اخیر چه اشتباهاتی کردند، این جمله شاید احمقانه‌ترین جمله قرن بیستم باشد. اگر رهایی طبقه کارگر تنها کار طبقه کارگر است، پس نتیجه این است

که حداقل اشتراک، تحمل و دموکراسی این مجتمعات و وجه تضاد است - در میان همه جریان‌های جنبش ترقی خواهانه، پیش شرط‌ها حل این مسئله دشوار است.

مایلم نقش تاریخی سوسیال دموکراسی را دقیق تر تعریف کنم. هیچ کس منکر این نیست که سوسیال دموکراتها مبتکر اصلاحات ترقی خواهانه‌ای بوده‌اند. و هیچ کس منکر این نیست که امروز زندگی در سوئد یا تریش بهتر از پرتغال یا ایتالیا است. اما سوسیال دموکراسی مدتهاست که از هدف دگرگونی بنیادی این جامعه دست کشیده است. اگر این مسئله تنها یک مسئله برنامه‌ریزی بود می‌توانستیم بحث در باره آن را به فلاسفه یا مورخان واگذاریم. اما متأسفانه چنین نیست زیرا ما در دنیای بدی زندگی می‌کنیم که در آن تضاد وجود دارد، تضادهای طبقاتی و اجتماعی بسیار واقعی‌اند تصمیمی که سوسیال دموکراسی در سال ۱۹۱۴ گرفت، تصمیم به اینکه با نظام اجتماعی موجود احساس یگانگی کند، حداکثر آن را اصلاح نماید اما تغییرش ندهد، متأسفانه این انجامیده است که سوسیال دموکراسی در مقابل منافع و حرکت مستقل توده‌ها قرار گیرد.

اگر بخواهیم مسئولیت تاریخی سوسیال دموکراسی، به ویژه سوسیال دموکراسی آلمان را در یابیم، باید به سه نقطه عطف تعیین کننده تاریخ اروپا توجه کنیم: سوسیال دموکراسی آلمان برای موافقت با جنگ در اوت ۱۹۱۴، در مسئولیت گسترش هولناک سنت خشونت و فقر در اروپا و جهان، سهمین شد. مسئولیت تاریخی دوم، در خفه کردن انقلاب ۱۹-۱۹۱۸ آلمان و شریک جرم شدن در قتل کارل لیبکنشت و رزالوگزمبورگ و نه تنها آنهاست. بهایی که بشریت پرداخت، بسیار سنگین بود، زیرا خط مستقیمی از "سپاه آزاد" و باندهای سیاه تاس. آ. و اس. اس. وجود دارد. مسئولیت سوم، از همه بزرگتر است. سوسیال دموکراسی آلمان با جلوگیری از پیوند میان انقلاب روسیه و آلمان که لنین و تروتسکی و همه سوسیالیست‌ها پس از ۱۹۱۸ به آن امید بسته بودند، مسئولیت تاریخی در ایجاد استالینیسیم را به عهده گرفت. اگر انقلاب روسیه در یک کشور عقب مانده محصور نمی‌شد استالینیسیم پدید نمی‌آمد.

گیزی: من باید به نکته آخری که گفتید پاسخ دهم زیرا به مسئله تصویر و مسئولیت کمی مانند و کلا بر خورد می‌کنم. با چنین برخوردی نمی‌توانم این رابی پاسخ بگذارم. من اگر کوتاهی یا اشتباهی مرتکب شوم، نمی‌توانم بگویم اگر دیگران بگونه‌ای دیگر عمل می‌کردند، من اشتباه نمی‌کردم. در سال ۱۹-۱۹۱۸ سوسیال دموکراسی دچار خطا شد. در این باره میان ما اختلافی نیست. طلبیدن نظم و قانون بجای تداوم انقلاب، یک کجروی بود. اما اولاً من نمی‌دانم که در غیر این صورت انقلاب روسیه چه روالی می‌یافت، روشن است که روال دیگری در پیش می‌گرفت. ثانیا آنچه گفتید در نهایت نوهی توجیه‌گری است، باید مسئولیت را در جایی گذاشت که متعلق به آن است.

من معتقدم سوسیال دموکراسی می‌تواند تحول یابد. ما اکنون در سال ۱۹۹۰ هستیم و از نظر من نکات دیگری اهمیت دارند. می‌گویم حزب کمونیست آلمان (ج. ک. آ) در تاریخ خود مرتکب اشتباه شده است که شاید بتوان همه آنها را بر شمرده جریانات مختلف جنبش کارگری، همگی دچار اشتباهات زیادی شده‌اند، و در درون خود وجه در رابطه با یکدیگر مانیز چهار همین اشتباهات خواهیم شد. مسئله، بیشتر بر سر نوع اشتباهات است. باید بجای تسویه حساب، به توضیح و تحلیل پرداخت تا بتوان واقعا از اشتباهات درس گرفت.

به نظر من مسئولیت‌های تاریخی و اشتباهات تاریخی را باید از سیاست جاری روز جدا کرد. امروز من نگران این امر هستم که قرب مشغول تجدید سازمان اروپا است، از جمله از لحاظ نظامی - استراتژیک. تجدید سازمان اروپا باید آغازی برای وحدت اروپایی باشد. اما این تجدید سازمان، تنها می‌تواند آغاز وحدت باشد و نه جلوگیری از آن. باید انحلال بلوک‌ها باشد. آنهم هر دو بلوک همواره تاکید می‌کنند ساختارهای جدید امکان پذیر است و باید درباره همه چیز دوباره اندیشید، باید بیامان‌های نظامی بسیار سیاسی تر شوند. حال من می‌پرسم اصلاً چه نیازی به این سازمان‌هاست. چرا باید این سازمان‌ها گسترش یابند و مثلاً قلمرو و جمعیت ج. د. آ. به ناتواافه شود. به نظر من بعنوان درسی از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد باید برای انحلال بلوک‌ها

طرح پیشنهادی گروه کار اسناد به کنفرانس‌های پیش‌کنگره

دیدگاه‌ها و آماج‌های

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

طرح زیر به منظور توضیح هویت، اهداف و ارزشهای بنیادین سازمان ما تهیه و تدوین شده است و از طرف گروه کار اسناد به کنفرانسهای پیش‌کنگره ارائه میشود. در تهیه این طرح از اسناد منتشر شده در سازمان و بحث‌های جاری در جنبش چپ ایران بهره گرفته شده است.

هدف از ارائه طرح فوق، ایجاد تمرکز در بحثهای مربوط به تعیین هویت، تقویت دیدگاههای مشترک و دستیابی به پلاتفرمی مورد قبول در کنگره

دوم است. گروه کار اسناد از کنفرانسهای پیش‌کنگره درخواست می‌کند که این طرح را به بحث بگذارند و نظرات و پیشنهادات خود در مورد آن را به گروه کار ارائه دهند.

لازم به توضیح است که در گروه کار نظردیگری نیز وجود دارد که با ارائه یک طرح از جانب گروه کار به کنفرانسها موافقت ندارد و طرحهای قبلا ارائه شده را برای بحث در کنفرانسها کانی میدانند.

گروه کار تدارک اسناد-۱۱ اردیبهشت ۷۰

چپ ایران و پیکار تاریخی آن در طول بیش از ۸۰ سال مبارزه در راه آزادی و عدالت اجتماعی میدانیم و بان ارج می‌گذاریم و معتقد به نقد اشتباهات و کژ رویهای این جنبش و نو سازی آن هستیم.

تجربه نیروهای چپ ایران در "انقلاب بهمن" و فروپاشی نظام "سوسیالیسم و اقامه وجود" شرایط مساعدی را برای بازنگری و نو سازی بنیادین جنبش چپ ایران فراهم ساخته است. نو سازی چپ ایران میتواند راه را برای غلبه بر پراکندگی دیرینه آن و گرد آمدن شاخه‌های گوناگون این جنبش در حرکتی مشترک بگشاید.

ما به نزدیکی نظری و عملی نیروهای چپ ایران در راستای ایجاد یک تشکل چپ که میتواند بر اساس آرمان مشترک و توافق کلی دیدگاهی و برنامه‌ای تأمین شود، معتقد هستیم و در راه تحقق آن مبارزه می‌کنیم.

دیدگاه‌ها و آماج‌ها

رقه انسان هاور شد آن داده و همه جانبه آنجاست . ما دمکراسی و عدالت اجتماعی را در پیوند نزدیک با هم میدانیم . تامین عدالت اجتماعی پشتوانه دمکراسی و مناسبات صلح آمیز در جامعه است و تحقق گسترده عدالت اجتماعی در شرایط وجود و گسترش دمکراسی و حقوق دمکراتیک مردم امکان پذیر است .

ما به اولویت منافع پیشرفت اجتماعی بر منافع گروه‌بندهای اجتماعی و به درم آمیزی عدالت اجتماعی با پیشرفت اقتصادی معتقد هستیم . عدالت اجتماعی بر بستر پیشرفت اقتصادی، رفاه مردم فلبه بر عقب ماندگی و اهتلا فرهنگی میتواند تأمین شود . ما تأمین عدالت اجتماعی را روندی طولانی میدانیم و مبارزه در راه تعدیل نابرابریهای اجتماعی و تحقق عدالت اجتماعی را وظیفه دائمی خود می‌شماریم .

سازمان ما همیقایمن دوست است

و به تأمین منافع ملی و استقلال کشور و پی ریزی ایرانی آزاد و مستقل و به شرکت گسترده ایران در روابط بین‌المللی و برقراری مناسبات با دیگر کشورها در جهان بهم پیوسته کنونی اعتقاد دارد . مبنای برقراری مناسبات با سایر کشورها، تأمین منافع ملی کشور، اتخاذ تصمیمات مستقلانه و تضمین برابر حقوقی با دیگر کشورها است .

سازمان ما خواهان صلح پایدار جهانی، زدایش جنگ از حیات بشریت و خلع سلاح همگانی است . سازمان خواستار تضمین حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، استقرار نظم اقتصادی عادلانه و برابر حقوق در مناسبات بین المللی پاسداری خردمندانه از محیط زیست در کره زمین، بهره وری دمکراتیک از دستاوردهای علمی و فنی توسط تمام کشورهای امحاء مناسبات نابرابر و فارتگرانه بین کشورهای خواهان القانژادپرستی، فقر، بیسوادی، رعایت بدون قید و شرط حقوق بشر در همه کشورهای، زدایش فقر در مناسبات بین انسانها و تثبیت ارزشهای عموم بشری است . این خواست‌ها بیانگر محتوی انسان دوستانه آماج‌های سازمان و اعتقاد آن به اولویت ارزشهای عموم بشری بر منافع طبقاتی است .

سازمان معتقد به همبستگی بین المللی تمام نیروهای است که برای تأمین صلح و استقرار نظم نوین جهانی، دمکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم مبارزه می‌کنند و از مبارزات آزادیخواهانه و عدالت جویانه در سراسر جهان حمایت می‌کند .

ما در راه تحقق این ارزش‌ها پیکار می‌کنیم و سوسیالیسم را به عنوان آرمان والای خود که بیان تجسم چنین ارزش‌ها و تمایلات انسانی است، می‌دانیم .

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از دل جنبش فدائیان خلق که در دهه ۴۰ در پیکار علیه دیکتاتوری شاه با آرمان آزادی و سوسیالیسم شکل گرفت، برخاسته است. جنبشی که هدف پایدار آن خدمت به کارگران و زحمتکشان و تأمین صلح، آزادی و عدالت اجتماعی در جامعه و کسب استقلال، پیشرفت اقتصادی و سر بلندی برای میهن عزیز ما ایران بوده است.

سازمان مادر طی دو دهه پیکار خود تراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته، تجارب بسیاری اندوخته و همواره برای تصحیح و تکامل دیدگاهها، برنامه و سیاست خود کوشیده است. سازمان ما اکنون با درس آموزی از تجارب "انقلاب بهمن" و هرزبندی یا دیدگاههایی که منجر به حمایت بخش عمده‌ای از نیروی چپ از جمله سازمان ما از رژیم ضد دمکراتیک جمهوری اسلامی گردید و نیز با بهره‌گیری از تجارب ناشی از تحولات چپ در عرصه بین المللی تلاش میکند برنامه، سیاست و عمل خود را منطبق با واقعیتات جامعه ما و جهان امروز تنظیم نماید.

در دو دهه اخیر هزاران تن از بهترین فرزندان مردم کشور ما علیه دیکتاتوری و برای آزادیهای سیاسی، عدالت اجتماعی و تأمین رفاه زحمتکشان در صفوف سازمان پیکار کرده، رنج‌ها کشیده و جان باخته‌اند. ما سازمان و پیکار آن را در طی دو دهه بخشی از جنبش

نامه های زیر از سوی اجلاسهای اعضای سازمان به دفتر نشریه کار رسیده است که بنا به تقاضای رفقا و جهت اطلاع خوانندگان درج می‌شود.

نامه سرگشاده به شورای مرکزی

رفقا! پس از گذشت نزدیک به ۶ ماه از برگزاری نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که توجه عمده آن مصروف دمکراتیزه کردن حیات و ساختار سازمان گردید، برای نخستین بار بخشنامه ای از شما به دست ما رسیده است که بطور جدی نگران کننده است. بنظر می‌رسد که رفقای رهبری بدون کمترین توجه به نظرات فعالین سازمان همت خود را برای مخدوش کردن تصمیمات کنگره و طرد سیمای سازمان از جنبش چپ ایران بکار گرفته اند، از اینرو ما توجه شمارا به موارد زیر جلب می‌نماییم:

۱- ما تصمیم شورای مرکزی سازمان را مبنی بر انحلال یکی از نشریات، تصمیمی خارج از محدوده حقوقی آنان میدانیم. انتشار دو نشریه سازمان - کار و اکثریت - تصمیم اکید کنگره سازمان بوده است و انتخاب شورای مرکزی نه برای لغو این تصمیمات بلکه برای اجرای آنها می‌باشد.

لازم به توضیح است که حل مسائل مالی سازمان و یا ارتقا سطح مطالب نشریات نه از طریق انحلال نشریات، بلکه به وسیله سازماندهی درست در استفاده از ظرفیتهای موجود امکان پذیر است. در غیر این صورت، این امر می‌تواند توجیهی برای لغو هر گونه فعالیت سازمانی نیز باشد.

۲- ما خواهان انتشار نشریات کار و اکثریت با سیمای هر چه بارزتر سازمانی می‌باشیم. چنین نباشد که کسانی در جهت لغو سیمای سازمان ابتدار نشریات سازمان و سپس در جنبش چپ ایران کام بردارند.

۳- ما خواهان آنیم که از نیرو و ظرفیت تمامی رفقای شورای مرکزی در پیشبرد اهداف کنگره استفاده شود.

۴- ما حاضر نیستیم بدون توجیه به اسنادی که مورد بحث و تبادل نظر کافی قرار گرفته باشند به کنگره برویم، از اینرو خواهان آنیم که هر چه سریعتر اجلاس های پیش کنگره جهت تعمیق مباحث مربوطه فرا خوانده شود. ما پیشنهاد می‌کنیم که مباحثات هر یک از اجلاسها و یا نتایج اجلاسها به طور مقتضی در نشریات سازمان صورت انتشار یابد.

۵- ما پیشنهاد می‌کنیم تصمیمات پیرامون برگزاری کنگره دوم به گونه ای اتخاذ گردد که نظر رفقای داخل کشور در مرکز توجه رفقای شرکت کننده در کنگره قرار گیرد.

۶- ما خواهان آنیم که شورای مرکزی به ویژه در زمینه نشست هایی که با سایر سازمانها و شخصیتهای سیاسی دارد به فعالین سازمان گزارش دهد. ما همچنین تأکید می‌کنیم که هر گونه تصمیم گیری شورای مرکزی که به تعیین جایگاه سازمان در میان سایر نیروهای اپوزیسیون منوط میگردد تنها در صورتی از اعتبار سازمانی برخوردار است که در مورد آنها از مجموعه فعالین سازمان نظر خواصی شده باشد.

در خاتمه ما هشیاری شما و همه نیروهای سازمان را برای مقابله با هر گونه اندیشه انحلال طلبانه به یاری می‌طلبیم.

بازرودهای رفیقانه
اجلاس بوخوم مورخه ۲۲ ژانویه ۱۹۹۱

در باره نامه نگاری به جرج بوش

در نامه ایشان قلم به دست گرفته ایم، به هیچ وجه مخالف انتشار نظرات شخصی اعضا در نشریات سازمانی نیستیم اما متوجهیم که پیرامون مسائل مطروحه در آن نامه، تبادل افکار جدی صورت گیرد چرا که آقای نیکدمده می‌است: "احساس و اندیشه

ای را در این نامه سرگشاده آورده ام که به زعم من تمایل همومی ایرانیان را در قبال وضع موجود بازتاب میدهد. آیا واقعا چنین است؟ نخست (خطاب نامه، چرا جرج بوش؟)

در ابتدای نامه چنین به نظر می‌آید که نویسنده آن می‌خواهد آنچه در توان دارد برای جلوگیری از یک آتش افروزی جدید در منطقه خلیج فارس بکار اندازد. در این راستا متأسفانه سرافح هیچ مرجع بین المللی مثل سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد و... نمی‌روند؟! و بطور غیر منتظره جرج بوش را مورد خطاب قرار میدهد. خواننده نامه نیز به فوریت در می‌یابد که مورد خطاب قرار گرفتن بوش به منظور افشا اهداف او و دولتش در جنگ خلیج فارس نیست بلکه درکمال تأسف سرتاپای نامه را نمرست مطالباتی می‌یابد از "هالیوینجانب جرج بوش!!"

دوم (سکوت در برابر "مقابله کنندگان به مثل" در میان ایرانیان همیشه "دفع شر و اجریمین به شیوه شر و اجریمین" نگویمش گردیده است. آقای نیکدمده که از جانب "تمایل همومی ایرانیان" سخن می‌گوید خدا انتقادی به قطعنامه ۶۷۸ شورای امنیت نداشته استفاده از نیروهای نظامی علیه عراق را مجاز شناخت دارد و نه مخصوصا با آقای بوش سخنی. که جمود دستیارانش در تحمیل این زشتکاری بر سازمان ملل نقش اصلی را داشته‌اند. آنان افراط را به جایی رساندند که این نظر در میان ناظرین سیاسی تقویت شد که اعمال دولت بوش آنهم در شرایط پایان جنگ سرد معنی و مضمومی جز بازگشت به سیاست های ارتجاعی آمریکا سالارانه ندارد. در همان هنگام اقدامات آمریکا نه تنها بانارضایتی در سازمان ملل روبرو شد بلکه در درجه نخست از جانب حرکتیهای عظیم صلح خواهانه و اکثریت نیروهای ترقیخواه بشدت مورد انتقاد قرار گرفت. از آن جمله است مواضع انتقادی نشریات سازمان ما (کار و اکثریت) که هر چند با تاخیر اما بدرستی هم سیاست مقابله به مثل را و هم اهداف خود فخرانه دولت آمریکا را به نقد کشید. البته هم در سازمان ملل و هم در میان نیروهای ترقیخواه بودند کسانی که یا مرعوب فشارهای دولت آمریکا شدند و یا بر سر موضع خود معامله ای پرسود کردند. در مجموع کنار کشیدن این نیروها نه فقط مدافعین "نظم عادلانه بین المللی" را تضعیف نمود که حتی و در کمال تأسف به قشون کشی بیرحمانه متحدین، بوشش حقوقی

و قانونی نیز داد . سوم (و آرو نه جلوه دادن اهداف دولت آمریکا به خواننده نامه در باره هدف دولت امریکادروغ گفته میشود. به این جملات نامه دقت کنید: "اینکه شما اینبار مقابل با تجاوز را نه از طریق اقدامات خود سرنانه بلکه از طریق اشتراک مساعی جامعه جهانی در شورای امنیت پی میگیرید... و یا: "دو دهها میلیون ایرانی که در ماههای اخیر قاطعیت و صلابت دولت شما در مقابل با تجاوز صدام را نظاره میکنند...". نه فقط این جملات گویا، بلکه در مجموعه نامه، هدف دولت آمریکا مقابل با تجاوز صدام حسین قلمداد گردیده است. یعنی همان چیزی که سردمداران کاخ سفید بسیار مایلند تادرباره آنها گفته شود مبلغین شان در تبلیغات تموع آور رادیو و تلویزیونی از ابام تا شام به خورد خلق الله می‌دهند آیا واقعا چنین است؟

قبل از نگارش نامه آقای نیکدمده، در خود آمریکا، روزنامه نگاران امریکایی باتوجه به فاکتلهایی که از ملاقاتهای سفیر آمریکا در بغداد با صدام حسین و اظهارات "تاتو آیلر" کارمند هالیوینجانب وزارت خارجه آمریکا در دست داشتند، افشا کردند که: واشنگتن از احتمال حمله صدام به کویت باخبر بوده و در مراحل اولیه، رئیس جمهور عراق را به این کار تشویق بهم کرده اند. این افشاگری با روند رویدادها کاملاً همخوان است. بهره برداریهای بعدی امریکادر زمینه های سیاسی و اقتصادی همچون: حضور نظامی گسترده در خلیج فارس، ضربات ناجوانمردانه بر جنبش فلسطین و اعمال کنترل بر بازار نفت، فاکتلهای بعدی هستند که دلایل ترفیب صدام برای حمله به کویت را آشکارتر می‌نماید. این همدفا آنقدرها هم پنهانی نبودند که مخصوصا از دیده تیزبین آقای نیکدمده مخفی بمانند.

چهارم (اظهار ندامت ارزیابی جدید آقای نیکدمده از اشغال سفارت آمریکا در ابان ۱۳۵۸، یکی دیگر از نکات تکان دهنده نامه ایشان است. او ضمن آنکه آن عمل را فقط به "سرن رژیم ایران" نسبت میدهد، اثر او موضوع قطع رابطه با آمریکا را "وحشیانه" خوانده و نتیجه می‌گیرد: "... این دو عمل وحشیانه و نابخردانه بر سیاست آمریکا نسبت به ایران تأثیرات منفی بسیار برجای گذاشته‌اند."

"حسابگری" جدید آقای نیکدمده شامل دو عنصر

باخوانندگان

از خوانندگانی که برای ما نامه می نویسند موکدا درخواست می کنیم که خلاصه نویسی را رعایت کنند. به دلیل محدودیت جا سرویس "باخوانندگان" حق خلاصه کردن و انتخاب بخشهایی از نامه هایی را که

۱- نامه های خود را حتما با امضا برای ما ارسال نمائید، در صورت امکان برای نوشته خود نیز نامی انتخاب کنید.
۲- اسم و آدرس خود در علاوه بر پشت پاکت در پائین نامه نیز قید کنید.
۳- برای تسهیل کار دسته بندی و آرشیو، لطفا نامه های خود را روی کاغذ به قطع ۴/۴ برای ما ارسال دارید.
۴- برای ما امکان پس فرستادن مطالب رسیده وجود ندارد. در صورتی که به اعل مطلب خود احتیاج دارید، یک نسخه از فتوکپی آن را ارسال دارید.

مطلوب هستند برای خود محفوظ خواهد داشت. تجربه نشان داده است که بدون رعایت این موضوع، نشریه ما با صفحات محدود خود قادر نخواهد بود منعکس کننده همه نامه ها باشد. در انتخاب مطالب برای درج در نشریه، مفید بودن موضوع، کوتاه بودن آن، کیفیت مناسب و بالاخره تکراری نبودن مضامین در نظر گرفته خواهد شد. نامه هایی با مختصات فوق برای چاپ از حیث خوانندگانشان برای تسهیل کار، خوانندگانی را که برای ما نامه می نویسند، به رعایت نکات زیر دعوت میکنیم:

تصمیم!

مردم ایران را از چنین امکانی محروم نکنیم

چند سالیست که از قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و به دنبال آن آتش بس بین ایران و عراق میگذرد، همان روزهایی که آغازی برای کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی شد و هزاران نفر بیرحمانه اعدام شدند. شعار سرنگونی از هر گوشه و کناری شنیده شد و رژیم برای سالیان متوالی محکوم به نقض حقوق بشر گردید. اما در این میان اپوزیسیون نیز به شور و حال آمد. دو دلی در تشکیل جبهه هایی متحد به حقیقت پیوست. سرنگونی یا استحاله، به پیش کشیده شد. رژیم تاکتیک عوض کرد و روشنفکران سیاسی را با برچسب اعتیاد به دار آویختن کشته روی کشته انباشته شد ولی هنوز گفتارها در بین اپوزیسیون پایان نیافت... جبهه سرنگونی، تشکیل دولت ائتلافی، استحاله، ...؟

رژیم از این پراکنندگی خط مشی اپوزیسیون استفاده کرد، چاق و چله شد و جهت آترابه سوی عدم سرنگونی سوق داد. نماینده سازمان ملل از ایران دیدار کرد، دست جمعی اسلامی بکلی رو شد. عقب نشینی های یکی صورت گرفت، تعدادی بطور مصنوعی آزاد شدند، دیگر گزارش آرتجانی از شکنجه در زندانها به گوش نرسید! اکثر زندانیان اعدام شده بودند و فقط توابعین و یادگارهایی از زندانیان باقی بودند. رژیم برای خودی نشان دادن در جوامع بین المللی به تلاش می افزد، در عدد برد گذشته خود بی می آید، رسما برای نقض حقوق بشر در گذشته ابراز پشیمانی می نماید! وکیل اجازه حضور در دادگاه هارمی یابد، فرهنگیان تظاهرات سراسری به راه می اندازند. رژیم در قبال جنگ خلیج ابراز بیطرفی می نماید، خط امام شکست می خورد، تلاش برای حذف آنان از ادارات و مراکز دولتی به حرکت در می آید!

اکثریت اپوزیسیون خواستار انتخابات آزاد میگردند. هر کسی بارتک و لغایی جدید خود را مطرح میسازد، جبهه ها فشرده تر میگردند، گفتگوها نزدیکتر میشوند و باز در مورد برنامه مشترک صحبت میشود. انرا طلیون کنار گذاشته میشوند و معتولین اپوزیسیون بیشتر دور هم جمع میگردند. این بار "حاکمیت مردم در قالب جمهوری خواهی" محور قرار داده میشود. ولی باز هنوز اپوزیسیون سر درگم میماند! تمر یا آشتی، سوابق یا حال، همکاری یا عدم آن؟ بر سایر چیزها تقدم میگیرند! با فشار مردم، ائتلاف رهبر و رئیس جمهور در جهاتی تغییر می یابد، وضع اجتماعی بهتر از زمان جنگ هشت ساله میگردد، دولت همانند رژیم سابق جفجفه دست مردم می دهد تا

بلکه ساکت شوند! اگر دستان دوباره به اسلحه روی می آورد، جنگ خلیج بطور نیم بند تمام میشود، دولت در تلاش جلب حمایت از مراجع بین المللی میگردد و روابط خارجی طعنه خود را گسترش میدهد. گریه هابد میشود، دشمنان قدیم، دوست میشوند، یزید، عزیز میشود! مجلس به شورش میرسد، خطا می یابد، مخالفین رسمی حکومت میشوند. رهبریت ائتلافی حاکم، ضعیف تر و ضعیف تر میگردد. حرف رهبر دیگر تحویل گرفته نمی شود! مجلس در صلاحیت با عدم صلاحیت کابینه به کار می افزد، شانس مخالفین حکومتی و خودی بیشتر میگردد ولی هنوز سران اپوزیسیون ما چارچوب میسازند! سرنگونی یا استحاله؟! خطا می یابد! سرنگونی و حشت دارند!

ولی رهبریت ائتلافی در حال سوق آن به استحاله است! برخی از سران اپوزیسیون تقاضای پاسپورت می نمایند! باز استحاله یا سرنگونی؟! رهبریت رژیم کوتاه می آید، شانس ورود به ایران با شعار عدم سرنگونی بر سر زبانها می افزد، دولت خواستار بررسی مجدد اپوزیسیون میشود ولی با شعار سرنگونی، خط میخورد! دولت باز تلاش برای گسترش روابط خارجی می نماید ولی مثل هر بار دشنام می شنود! تحریم گسترده اپوزیسیون در داخل یا خارج از کشور ادامه می یابد! رهبریت رژیم در تلاش خالی نمودن میدان میگردد!... ولی باز هنوز، اپوزیسیون آمادگی لازم را ندارد!! هر روزی که میگذرد، همی بر فمهای بیشتر مردم افزوده میگردد. سؤال میشود: رهبران اپوزیسیون پس چکار میکنند؟! این طلسم پس کی شکسته میشود؟! بلندگوهایشان که هنوز کار میکنند، پس کی لحظه حملشان می رسد؟!!! هادکشتند

در خارج نشان از انرژی اتحاد در جنت تعالی فرهنگ و در نتیجه سعادت مردم است. اما جای تاسف اینجاست که بدلیل ناهمسوئی، بر آینه نیر وهاگانی نیست. چرا که مغرد هستیم و گاه همان تنگ نظریهای به ارث برده شده و دیگر خصلتهای استبداد زدگی مانع آن میشود که این فعالیتها و نیروها به حامل تعیین کننده در روند پیشرفت دموکراسی در جامعه گردند.

همانطوریکه "مزدک" خاطر نشان کرده، اگر در بخشی از کشورهای صنعتی قوانینی در جهت حمایت از مردم و قوانین رفاه نسبی اجتماعی وجود دارد، دلیلی نمیتوان برایش یافت مگر وجود نیروی تریخو و متشکل درون آن جامعه و گرنه سرمایه داری از الوضفت را با اینگونه مقولات کاری نیست و صد البته که اکثر این نیرو هارادیکال و باندیشه های سوسیالیستی هستند.

یک تشکیلات هداالتخواه سوسیالیست که قادر به فهم مناسبات اجتماعی جامعه ایران باشد و متکی به خود و مردم ضامن دموکراسی و پیشرفت هداالت اجتماعی در ایران خواهد بود. نیروی هداالتخواه چه در خارج و چه در داخل کم نیستند. بیاییم با درک اوضاع امروز، خودمان و مردم ایران را از چنین امکانی محروم نکنیم.

گیلاوا

شاه و چه در طول حکومت آخوندی برای آزادی ایران زیر خاک خفته اند بزم میگویند که حق ندارم ساکت بنشینم.

... صحبت روز دموکرات منشی است. نشست و برخاست و دیالوگ با سلطنت طلبان و دلیل همدان هم رسیدن به این موضوع است که محور همه فعالیت های سیاسی ایران و مردم ایران است و سلطنت طلبان هم عضوی از ایرانند. ظاهر قضیه دلنشین است چرا که از آن بوی آشتی ملی میآید. اما باید این راجم دید که مختصات یک عقیده از دیروز تا امروز چگونه تغییر کیفی نموده است.

... اما لازم می بینم که نکته ای را در انتها متذکر شوم که با چه جور آدمهای بنام سلطنت طلب طرف هستیم روز نامه کیهان لندن که معرف سلطنت طلبان است در شماره ۳۳۷، ۴ بهمن ۶۹، خود به تنهایی معرف موضع این گروه است. فرزند مستشار پیشین ژاندارمری ایران، فرمانده عملیات جنگی "توفان صحرا"!

این تیتیر درشتی است که در صفحه ۹ همین شماره بالای عکس جای شوارتسکف زده شده است! چنان نضا و آتمسفری که انگار بخود می بالد که ایران زمان شاه که ژاندارمریش مستشار آمریکایی داشته است چنان مستشاری بوده که فرزند برونمش اسر فر فرمانده عملیات جنگی "توفان صحرا" است. مرا به یاد یکی از همشاگردیهای دوره دبستانم انداخت که وقتی به او می گفتند مادر بیوه اش با مرد هار و ابطنام شروع دارد بخود می بالید که رفیق مادرش پسر تیمسار فلانی است و فکر میکرد دبرای خود کسب آبرو کرده است.

در صفحه ۶ زیر تیتیر - آقای خامنه ای، اعلامیه استقلال آمریکا را خوانده اید؟ - چنان از دموکراسی و حقوق مردم در آمریکا صحبت کرده است، تو گویی که آنجا بهشت موهود است. و می نویسد "اما برای آنکه انسان بداند در ایالات متحده آمریکا همه افراد از حیث حقوقی با یکدیگر برابرند و از این حیث میان سیاه و سفید، زن و مرد، مسلمان و مسیحی و یهودی هیچ تفاوتی وجود ندارد، نیازی به تبصر در سیاست خارجی ندارد، همین قدر که از آن مختصر اطلاهی داشته باشد، کافی است."

اینقدر زمانی است که آقایان حس کرده اند باید به حمایت آمریکاییها برخیزند در این بلشوی جنگ خلیج - و اگر روزی برسد که مدافع خود را آمریکا بدانند - بمابند سالهای ۳۲ و روز های کودتای ۲۸ مرداد - چه خواهند در چالپوسی از ارباب - البته در گذشته کم نکر دند و از این بابت رو سیاه هستند.

فدایی - قلام

"مزدک" در اکثریت ۳۳۵ انگشت خود را به جایی نشانده رفته است که به تاریخ چندین هزار ساله آرمانهای انسانی و انسانیت مربوط میشود. آنان که راه رهائی خود مردم مبرجستند و بناچار در چند دکان موجود داخلی و خارجی با تبلیقات و ظواهر انسانی آنرا یافتند یا سیر دکانها بودند؟

آنکه از فاحشه شدن زن همسایه بدلیل فقر، آنکه از به پشت دار قالی نشستن خودو یا بچه همسایه اش فوز کرده بمانند پیران را یافته است آنکه از میزان ثروت مملکت سر انگشتی خبر داشت و شکمهای گرسنه را میدید و یا خود گرسنه بود، آنکه تبعیضها را هر لحظه حس میکرد، آنکه به خود مردم ستم دیده می نگریست، آنکه ...

آنکه مغزی می جست که عدالت را بدست آورد، نه فقط برای خود، که برای خود و همه. او هم کسی بود از همین جامعه ایرانی، با خصوصیات اخلاقی و خصلتی ناشی از مناسبات اجتماعی و سنتی و خانوادگی جامعه خودش. او هم سالهای تاریخی استبداد زده بود. استبداد شاه و شیخی، استبداد معلم و پدر استبداد... اگر بر ای سعادت خود مردم در چهار چوبهای تنگ حزبی و سازمانی قرار گرفت نتوانست ره، چنانکه خود میخواست به پیش برد، مشکل خود او نبود. مشکل، میزان سطح رشد جامعه بود. از کوزه

نباید ساکت نشست مبارزه را پایانی نیست

تاریخ ایران، از بابک گرفته تا ستار خان و میرزا کوچک و کلنل پسپان و هشتقی و مصدق و... و این سازمان سرمایه مردم ایران است، پس نمی توان بی تفاوت از کنار آن گذشت. سازمانی که خطاها داشته و برخی حتی آنرا به خیانت متهم میکنند. سازمانی که از سر هشتق به آزادی و بهروزی مردم راهجای خطا را هم پیموده است. همانطور که در پیروسه حرکت خود اثرات مثبتی هم برجای گذاشته است.

اینست که امروزه وقتی خبر دار میشوم که بنام دموکراسی و دموکرات منشی قدمهای اولیه یک اشتباه دیگر تاریخی در شرف تکوین است باجمان خصلت فدایی گری علیه آن بپایمیزم. دوستان من که بنام فدایی چه در طول دیکتاتوری محمد رضا

حل دوگانگی فدایی بودن و عضو تشکیلات سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" بودن را بالاخره این چنین حل کردم که فدایی می مانم و دلیلی بر آن نیست که عضو "سازمان" باشم، در کنار "سازمان" و در کنار کلیه سازمانهای هداالتخواه و مردمی و در کنار مردم فدایی می مانم و آرمان خود را که از کودکی و جوانی در خود پرورانده ام پاس میدارم. بالطبع به حرکات جریانات سیاسی در حادمان خودم هشیار بودم و از همه بیشتر به سازمان اکثریت چراکه همری در آن چارچوب بودم. این سازمان متعلق به چند نفر رهبری فعلی نیست و متعلق به اعضا کنونی هم نیست. این سازمان بمانند دیگر سازمانهای مردمی متعلق به مردم ایران است و ثمره مبارزات آزادیخواهان

بخاطر روابط اساسا نابرابر سیاسی و اقتصادی و مداخلات خونین امپریالیسم آمریکا در سرنوشتشان بوده است. آقای نگهدار حتما میداند که عدم اعتماد به رابطه با آمریکا و کشورهای متروپل نه خاصه ایران بلکه مشکل تمامی خلتهای "جهان سوم" است. منافع واقعی و حیثیت تحقیر شده این خللجا ایجاب میکند تاهلیه روابط نابرابر تحمیلی، علیه مداخله گری زورگویانه و در یک کلام علیه جهان خواری امپریالیستی مبارزه کنند. این نه گناه این "مردم وحشی" که تحمیل زورگویانه تدرتمندان امپریالیستی است.

۷۵ در صدارت فزای اجلاس مونستر ۲۷ اسفند ۱۳۶۹

نشریات رایگی کنید!

کاری، خواهان آن هستیم که نشریه ای سراسری از سوی سازمانهای فوق انتشار یابد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - فرانکفورت
سازمان فدائیان خلق ایران - فرانکفورت
حزب دمکراتیک مردم ایران - فرانکفورت
نوریه ۱۹۹۱

ایسای است: "یکی اینکه مردم ایران نقشی در مبارزات ضد امپریالیستی که در اشغال سفارت آمریکا به نمایش در آمد، نداشته اند. دیگر اینکه همین "اقدامات و حبشیانه" بوده که آمریکا را به مقابله کشانده و گرنه مداخله گری تجاوزکارانه آمریکا دارای سوابق قبلی نیست! این اظهارات "تو" نه فقط با اعتقادات و اعمال قبلی خود آقای نگهدار ضدیت آشکار دار بلکه بار و نود و قایع تاریخی مربوط به اشغال سفارت آمریکا نیز ستیزی لچو جانه دارد. آخر کیست که نداند مخالفت مردم مابا اهداف غارتگران امپریالیستی نه آنستکه سران رژیم ایران در اشکال تمدن ستیزانه آن بیان میکنند، بلکه

رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
رهبری سازمان فدائیان خلق ایران
رهبری حزب دمکراتیک مردم ایران

رفقای گرامی!
ما با توجه بر لزوم تلاش برای نزدیکی و همگامی نیروهای جنبش چپ و دمکرات ایران و به منظور بالا بردن وزن و چهره این نیروها بهره گیری همه جانبه از توان وامکانات و جلوگیری از دوباره

امریکای لاتین: ۴۰ هزار نفر قربانی وبا



شدیدترین مورد شیوع وباء در امریکای لاتین در قرن جاری که از چند ماه پیش قربانی می‌گیرد، بنا به تخمین سازمان بهداشت قاره آمریکا، تا شش میلیون نفر را مبتلا خواهد کرد که از این میان، ۴۰ هزار نفر جان خود را از دست خواهند داد. هفته گذشته رئیس این سازمان در لیمای پایتخت پرو گفت: «این یک اپیدمی هولناک است... افراق نکرده‌ایم اگر بگوییم که این بیماری شش میلیون نفر را مبتلا خواهد کرد و ۴۱ هزار تن را به قربانی خواهد گرفت.» وی هلت ابعاد اپیدمی را فقدان بهداشت در محلات فقیرنشین شهرهای امریکای لاتین دانست.

بهداری شیلی در سانتیاگو اظهار داشته است: «ما هنوز با یک اپیدمی فاصله زیادی داریم.» وزارت بهداشت شیلی خوردن میوه خام، ماهی و سایر جانوران دریایی را ممنوع کرده است. همچنین این وزارتخانه دستور داده است در پایتخت شیلی و حومه آن، چهار هزار بکتار کشتزار که با فاضلاب آبیاری می‌شود، از میان برده شود. خوردن سبزیجات کشت شده در این منطقه هفته گذشته باعث مبتلا شدن افرادی در منطقه سانتیاگو شد. در این منطقه ۱۳ میلیون نفر از مردم شیلی زندگی می‌کنند. هزاره‌داران به شدت علیه ممنوعیت خوردن میوه و حیوانات دریایی اعتراض کرده‌اند و معتقدند رسانه‌ها بیش از حد به مسئله دامن می‌زنند. با اینکه شیوع وباء در امریکای لاتین انعکاس وسیعی در

سازمان بهداشت قاره آمریکا تخمین خود را بر اساس آمار بدست آمده در پرو انجام داده است. این آمار حاکی از نرخ مرگ و میر شش‌دهم درصد در میان مبتلایان به وبا در پرو است. طبق آمار رسمی از آغاز شیوع وباء در سه ماه پیش در پرو از ۱۵۸ هزار بیمار ۱۱۴۰ نفر در گذشته‌اند. اکنون مقامات پرو بیم دارند که وبا به هلت کم‌آبی در ماه‌های خشک در منطقه آمازون شیوع یابد. در شیلی، اکوادور، کلمبیا و برزیل نیز موارد با دیده شده است. رئیس سازمان بهداشت قاره آمریکا گفت در برزیل پرجمعیت، احتمالاً تا حدود سه میلیون نفر به وباء مبتلا خواهند شد. در شیلی سه مورد وباء مشاهده شده است. خورخه خیمه‌نژ وزیر

گزارش‌ها یافته است، به گزارش یونسف، سازمان امداد کودکان ملل متحد، شمار مردمی که بر اثر ابتلا به اسهال خفیف و قابل علاج می‌میرند، بیش از قربانیان وباست. سخنگوی یونسف در مکزیکوستی گفت: «این یک تراژدی بی‌سرو صداست. میلیون‌ها نفر از اسهال معمولی می‌میرند. این امر ارزش مخابره گزارش‌ها ندارد. اما وقتی کودکی از وبا می‌میرد، خبر آن را در صفحه اول چاپ می‌کنند.» طبق آمار وزارت بهداشتی مکزیک نتایج پایتخت این کشور امسال بیش از ۱۵ هزار کودک بالاتر از پنج سال بر اثر اسهال خواهند مرد. مکزیک در آمار مرگ و میر ناشی از اسهال در صدر کشورهای امریکای لاتین قرار دارد. اسهال مانند وبا ناشی از فقدان بهداشت است اما بسیار ساده‌تر از آن درمان می‌یابد.

تظاهرات دهها هزار نفری در کره جنوبی

شهر هانگول، پلیس نیروی بسیاری برای مقابله با دانشجویان بسیج کرده بود. روتای و رئیس جمهور کره جنوبی مرگ کانگ کیونگ بای، دانشجویی که توسط پلیس به قتل رسید را یک «تراژدی» خواند و رسماً از بابت رفتار پلیس پوزش طلبید. بدنبال قتل این دانشجو، وزیر کشور کره جنوبی برکنار شد و پنج مامور پلیس به علت دخالت در این واقعه دستگیر گردیدند. کانگ کیونگ بای روز شش اردیبهشت ماه طی درگیری‌های سخت خیابانی میان تظاهرکنندگان و پلیس در سئول، توسط ماموران با ضربات یک میله آهنی به قتل رسید.

«بسیار جدی» خواندند. تنها در محوطه دانشگاه یون سای سئول بیش از ۲۰ هزار دانشجو روز نهم اردیبهشت گردآمدند تا به جنازه دانشجوی مقتول توسط پلیس ادای احترام کنند. این دانشجو روز ششم اردیبهشت ماه توسط پلیس به قتل رسید. ۶ هزار پلیس مسلح محوطه دانشگاه سئول را محاصره کرده بودند. آنها از زنجیرهای خود با نارنجکهای گاز اشک‌آور به سمت تظاهرات شلیک می‌کردند و با سپرهای خود جلوی خروج دانشجویان از محوطه دانشگاه را گرفته بودند. در شهرهای هان یانگ، کوانگ جو و سونگ یونگ وان نیز دهها هزار دانشجو دست به تظاهرات زدند. در همه این

دهها هزار دانشجو روز دوشنبه هفته گذشته در چند شهر کره جنوبی علیه قتل یک دانشجو بر اثر ضرب و شتم توسط پلیس دست به تظاهرات زدند. پلیس با توسل به گاز اشک‌آور توانست جلوی گسترش تظاهرات به خیابان‌ها را بگیرد. یک دختر دانشجوی ۲۰ ساله در اعتراض به قتل دانشجوی یاد شده توسط پلیس، در محوطه دانشگاه کوانگ جو خود را به آتش کشید. او قبل از اقدام به خودسوزی، همگان را به سرنوشتی رژیم کره جنوبی فرا خواند. دانشجویان، شعله‌های آتش را بلافاصله خاموش کردند اما پزشکان ساعاتی پس از واقعه وضعیت دانشجوی مزبور را وخیم‌تر کردند.

ادامه ناآرامی‌های خونین در آفریقای جنوبی

کرده‌اند. ساکنان سووتو می‌گویند پلیس بدون کوچکترین تلاشی برای خاتمه درگیری‌ها، ناظر حوادث بوده است. روز نهم اردیبهشت ماه، ویلم دکلرک رئیس جمهور آفریقای جنوبی از ماندا و بوتله‌زی دعوت کرد نظر به وقایع خونین اخیر فوراً با ملاقات مشترکی با او موافقت کنند. دکلرک در پارلمان اظهار داشت باید برای پایان دادن به اسهال قهر، همکاری کرد. به گفته رئیس جمهور آفریقای جنوبی، چنین دیداری باید پیش از برگزاری کنفرانس رهبران سیاسی آفریقای جنوبی که قرار است سوم خرداد ماه تشکیل شود، انجام گیرد. در کنفرانس خرداد ماه قرار است طرحی برای قانون اساسی جدید و راه‌های پایان دادن به ناآرامی‌ها مورد بررسی قرار

گرفته‌اند. ساکنان سووتو می‌گویند پلیس بدون کوچکترین تلاشی برای خاتمه درگیری‌ها، ناظر حوادث بوده است. روز نهم اردیبهشت ماه، ویلم دکلرک رئیس جمهور آفریقای جنوبی از ماندا و بوتله‌زی دعوت کرد نظر به وقایع خونین اخیر فوراً با ملاقات مشترکی با او موافقت کنند. دکلرک در پارلمان اظهار داشت باید برای پایان دادن به اسهال قهر، همکاری کرد. به گفته رئیس جمهور آفریقای جنوبی، چنین دیداری باید پیش از برگزاری کنفرانس رهبران سیاسی آفریقای جنوبی که قرار است سوم خرداد ماه تشکیل شود، انجام گیرد. در کنفرانس خرداد ماه قرار است طرحی برای قانون اساسی جدید و راه‌های پایان دادن به ناآرامی‌ها مورد بررسی قرار

در روزهای پایانی ماه آوریل در آفریقای جنوبی، درگیری‌های خشنونت‌آمیز حداقلاً ۴۸ نفر را به قربانی گرفت. در این درگیری‌ها صدها نفر کشته شدند. بیشترین قربانی‌ها در نتیجه حملات طرفداران حزب «اینکاتا» به رهبری مانگوسوتو بوتله‌زی رئیس قبیله زولو به شهرک سووتو بیار آمد. طرفداران اینکاتا پس از یک گردهمایی به مناسبت مرگ موزس کومالا از کادرهای این حزب، به سووتو حمله کردند. در درگیری‌های مزبور ۲۲ نفر کشته شدند. پیش از آن، نلسون ماندا معاون صدر کنگره ملی آفریقا (ای.ان.سی.) نسبت به امکان وقوع چنین درگیری‌هایی هشدار داده بود. پس از وقایع مزبور، ای.ان.سی. و اینکاتا یکدیگر را متهم کردند که درگیری را آغاز

جمهوری‌های شوروی اختیارات بیشتری می‌خواهند

مرکزی را برگزینند. چنین روندی به معنای تشکیل یک مرکز در کنار مرکز فعلی خواهد بود. در مذاکرات اخیر شش جمهوری شرکت نداشتند که عبارتند از سه جمهوری بالتیک، ارمنستان، گرجستان و مولداوی. قرار است این شش جمهوری به عنوان کشورهای خارجی تلقی شوند. بدین ترتیب آنها هملا و بر خلاف قانون چگونگی خروج از اتحاد، اعضای اتحاد شوروی نخواهند بود. جمهوری‌ها اختیار خواهند یافت برنامه‌های مستقل گذار به اقتصاد بازار به اجرا بگذارند، و مرکز تنها وظیفه هماهنگی را برعهده خواهد داشت. به نوشته «کومرسانت»، «اتحاد ۹ به علاوه یک» امکانات جدی برای تبدیل به عمده‌ترین نیروی سیاسی کشور خواهد داشت. این هفته نامه می‌افزاید «مثلث روسیه جمهوری‌های غیر روس-رئیس جمهور اتحاد» احتمالاً به یک ساختار سیاسی با ثبات تبدیل خواهد شد، منوط به این شرط که محور گارباچف - یلتسین استحکام داشته باشد. با توجه به سوابق توافق‌های قبلی این دو سیاستمدار و تضاد آنها، تحقق این شرط‌محتملی است.

هفته نامه شوروی «کومرسانت» گزارش داد میخائیل گارباچف در دیدار اخیر خود با رهبران ۹ جمهوری شوروی به توافق‌هایی رسیده است که همه ابعاد آن هلتی نشده است. یک یادداشت محرمانه گارباچف پیش‌بینی می‌کند که جمهوری‌های شوروی اختیار بیابند در صورتی که رهبری وقت شوروی از اعضای پیمان جدید سر باز زند، راسانهادهای مرکزی دولتی تشکیل دهند. بدین ترتیب گارباچف عملاً با سلب اختیار از دولت مرکزی موافقت کرده است. طبق یادداشت مزبور قرار است جمهوری‌هایی که به اتحاد جدید نپیوندند، به مثابه دولت‌های خارجی تلقی شوند.

«کومرسانت» گزارش می‌دهد یادداشت محرمانه رئیس جمهور متضمن «جدی‌ترین تغییر» در نظام سیاسی کشور، «از جمله تجدید سازماندهی اساسی ساختارهای قدرت مرکزی و تغییر قانون اساسی» است. گارباچف در یادداشت خود، جمهوری‌های شوروی را به عنوان دولت‌های مستقل به رسمیت شناخته، عدم دخالت مرکز در امور درونی جمهوری‌ها را تضمین کرده است. رئیس جمهور شوروی همچنین در امور داخلی جمهوری‌ها اولویت قوانین جمهوری بر قوانین اتحاد را پذیرفته است. در مقابل، جمهوری‌ها رهایت قوانین اتحاد در مسائلی که مشمول قوانین جمهوری‌ها نیستند را تضمین می‌کنند. قرار است پیمان جدید اتحاد بر مبنای پیشنهادهای جمهوری‌ها تدوین شده در ماه ژوئیه به امضا رسد. نخست قرار بود به پیشنهاد گارباچف امضای پیمان در ماه مه صورت گیرد اما با ترتیب مورد توافق، امضای قرارداد به پس از انتخاب رئیس جمهور روسیه موکول شده است. رئیس جمهور روسیه در روز دوازده ژوئن انتخاب خواهد شد. حداکثر شش ماه پس از امضای قرارداد، یعنی تا ژانویه ۱۹۹۲، کنگره نمایندگان خلق پیمان اتحاد و نیز قانون اساسی جدید را تصویب خواهد کرد. پس از آن راه انتخابات نهادی سیاسی و ریاست جمهوری هموار خواهد شد.

گزارش‌ها یافته است، به گزارش یونسف، سازمان امداد کودکان ملل متحد، شمار مردمی که بر اثر ابتلا به اسهال خفیف و قابل علاج می‌میرند، بیش از قربانیان وباست. سخنگوی یونسف در مکزیکوستی گفت: «این یک تراژدی بی‌سرو صداست. میلیون‌ها نفر از اسهال معمولی می‌میرند. این امر ارزش مخابره گزارش‌ها ندارد. اما وقتی کودکی از وبا می‌میرد، خبر آن را در صفحه اول چاپ می‌کنند.» طبق آمار وزارت بهداشتی مکزیک نتایج پایتخت این کشور امسال بیش از ۱۵ هزار کودک بالاتر از پنج سال بر اثر اسهال خواهند مرد. مکزیک در آمار مرگ و میر ناشی از اسهال در صدر کشورهای امریکای لاتین قرار دارد. اسهال مانند وبا ناشی از فقدان بهداشت است اما بسیار ساده‌تر از آن درمان می‌یابد.

توافق دولت و انقلابیون السالوادور

دولت و انقلابیون السالوادور در توافق‌هایی رسیده است. یک یادداشت محرمانه چنین نقل می‌کند که اگر مرکز، پیمان اتحاد را امضا نکند، جمهوری‌ها اختیار خواهند داشت قرارداد را میان خود به امضا رسانند و راسانهادهای جدید رهبری

دولت و انقلابیون السالوادور در توافق‌هایی رسیده است. یک یادداشت محرمانه چنین نقل می‌کند که اگر مرکز، پیمان اتحاد را امضا نکند، جمهوری‌ها اختیار خواهند داشت قرارداد را میان خود به امضا رسانند و راسانهادهای جدید رهبری

برای اشتراک نشریه «کار» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپر پستی و یار سید بانکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه از سال نماند.

اروپا	دیگر نقاط
سه ماهه ۳۲ مارک	۳۹ مارک
شش ماهه ۶۲ مارک	۷۶ مارک
یک ساله ۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

KAR
Vol.3 No.5
Wed. 8 MAI 1991

Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
GERMANY

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حساب بانکی: M.ABD
NR-35263011
کدبانک: 37050198
Stadtsparkasse Köln
GERMANY

بدنبال سه هفته مذاکرات، دولت و انقلابیون السالوادور در مکزیکوستی به توافق‌هایی رسیده است. یک یادداشت محرمانه چنین نقل می‌کند که اگر مرکز، پیمان اتحاد را امضا نکند، جمهوری‌ها اختیار خواهند داشت قرارداد را میان خود به امضا رسانند و راسانهادهای جدید رهبری

بقیه اخبار خارجی در صفحه ۲